

پرستی نداریم ، مارا گوئی خدا برای اسیری خلق کرده ، ابدآثار افتخاریه مردهای دیا زهای دیا درما اثر نمیکند ، هیچ نکته تاریخی برای ما سرمایه عبرت و تازیانه عبرت واقع نمیشود !

اینک دولت روس و انگلیس بی هیچ منازع در های خانه مارا گرفته و در داخل خانه ما مشغول قسمت غنیم خود هستند !

چاره بجز فداکاری برای ما دیده نمیشود ، وسیله غیر از جان دادن و کسب افتخار کردن برای ما مشاهده نمیکردد !

راه این کار نیز در ممکنات معلوم و مبرهن است ! اتحاد مدتی است که خود را با اهمیتهای مادی و منوی با نشان داده و میگوید بی وجود من تمام رشته های شما پنبه است ،

ما هم مدتی است میگوئیم بی حصول یک اتحاد بزرگ مسلکی که یک جبهه جامعه ملی را دارا باشد کاری از ایشان نخواهد رفت ،

بلی این حرف را میزنیم از طرف دیگر یارتی فرقه بر ضد اساس و افکار مقاسد فرقه دیگر تشکیل و شب و روز در بدنام کردن عناصر یک فرقه کار میکنیم ،

اسم از کینه نجات ملی میبرند فحش میدهم . سکوت میکنند بدتر میکنیم ، مثل اینکه تمام روابط نجات مملکت ما بسته باضحلال یک فرقه و حصول اکثریت فرقه دیگر است ، ای بیچاره ایران چقدر بدبخت و سیاه روز که توئی ، برو آسوده بخواب که صاحب مسلکان کنونی باین افتضاح کاریها عنقریب کشتی شکسته تو را بساحل امن و استقلال خواهند رسانید و یک خریطه از افتخارات خودشان را برای سرمشق اخلاف خود بیادگار خواهند گذاشت

عزیزت و هوس داری حور

خواجه عبداقده انصاری چه خوب میگوید (خدایا بکسی که عقل ندادی چه دادی) چون محمد علی دیده بود ، ملق ها ه بعد از توب بستن پارلمان از ایران مهاجرت و در اروپا مستغرق شده بودند باهم یک رای یک پروگرام شده اهل اروپا را با خود همدرد و حمایت منوی آنها را برای خود میپیم و تاج و تخت کیان را از لوث وجودش پاک ساختند بعد از یک سال نیم انزوا در (ادبیه) خیال

دستخوش مهاجرات بیگانگان ساختیم تمام مفاخر دیرینه و معالی شش هزار ساله ما بیکبار از انظار محو شده مثل یک قبیله تازه از جنکلی بیرون آمده با یک دسته بنده و رفته تازه از افریقا دزدیده شده باید با دیات اربابها و صاحبان اختیارات جدید خودمان که بزور سر نیزه با تکلیف میکنند آشنا شده و از سر نو برای خودمان کسب یک آئینت معموله بنائیم !

(۳) مدافعه وطنی - بلی مدافعه وطنی نتیجه آندو مقدمه است و مقدمه آندو نتیجه ، برای اینکه بقای مذهب و ادبیات بسته بقای وطن و حکومت مستقله اجتماعیه است ، جبهات جامعه ما باید تمام صرف حفظ استقلال وطن شده ، و برای اینکه نتوانیم افتخارات تاریخی و اخلاقی مذهبی خود را کاملاً مصون داریم بجهت مجبوریم که باید جدیت و فداکاری وطن خود را از یورشهای سخت دشمنان نگهداری و پاسایی بنائیم !

بس ما برای خیل و دیده های منظم که فوت هر یک فوت قومیت و اجتماع ما را گواهی میدهد باید مدافعه کنیم !

آیا برای این کار حاضر هستیم ؟

آیا ما بجهت حفظ افتخارات وطنی و مذهبی و ادبی خود جان گرامی را سپر بلا خواهیم ساخت ؟ آیا ما این قرار را که آدمی که باید آخر کار بمیرد خوب است در راه یک افتخار بزرگ جان بدهد با ضمیر خود مواجهه کرده ایم ؟

آیا ما لفظ (یا سرک یا استقلال) را با یک اهمیت ملحوظ داشته و مفاد این یک جبهه بزرگ را که بزرگترین کلمات مردان جهان است در نظر گرفته ایم ؟

آیا ما جمله (وطن در خطر است) را که مهیج یک مملکت فرانسه واقع شده و یک دوره بزرگ انقلاب را با یکمالم فداکاری برای فرزندان فرانسه فراهم نمود هیچگاه عظمت داده و در قبل این جمله دردناک که وقیت و اسارت یک مملکت ایران را متضمن است تدارک فداکارانه در نظر گرفته ایم ؟

نه برادران ! اگر انصاف باشد ما از جمع آدمیان بر کناریم ، ما حسن وطن پرستی ، مذهب

خاصی در يك دماغش بخته پیش خود فکر کرد
 و کاری که دیگران کردند چرا من نکنم ، اگر آنها
 جوی بودند منم بمقدار فرد وحید نیستم ، هم مسلکان
 و هم کیشان و هم دماغان من مدعیان بی جا عزیزان
 ملاجبت که ایرانیان را مهار کرده هر طرف
 میخواستند میدوانند و هر ملتی میخواستند مینروختند
 در اروپا زیادند ، چرا دور هم نیایم شوری نکنیم
 و بروگرایی تشکیک ندیم و آب رفته را بجوی
 باز یاریم ، در حالی که در ایران هنوز چهارپا که
 مرکوب قبله عالم و حامل محور کرة ارض بشوند
 وزیر سبزه امیر هادر ها و شایسته ها جن میدهند
 زیادند ، و ممدودیم که دم از اسبایت و فاعل
 مختاری میزند بخود مشغول و باهم در جنگ و
 جدال اند ، این بود که محمدعلی بکدغه در وبانه با
 ارشدالدوله و اهل و عیال طلوع کرد ، ما سعدالدوله
 ملاقات و از آغا (عمران) و (لرم) جدا شدیم
 آمده ظل السلطان و سایر انصار و ملاقات و از
 آغا به ایون و باریس و از باریس به بروگل و
 برلن دوره گردی افتاد

از قرار اطلاعات مخصوصه سمین در این بود که
 ترتیب و تمهیدی درباره خود منعقد نماید که بنشینند و
 ایرانیان در اروپا را بیطرفت کار سازد ، ولی
 ظفر از اینکه هر سباهی غیر است و نه هر علامی
 قنبر از حضرت کرشمه حور و از توت کوز پشت
 خراش و دلربایی شاهد ماه روی از هر زشتی زشت تر
 و از هر مکروهی مکروه تر است ، اجتهاد دیو و ددان
 و هم را در دیوسیرمان آدم صورت مورث نورت و
 وحشت می نوع انسان میشود نه جالب همدردی و
 حمایت آنان ، در اروپا در بین ملل آزادی مد
 پوست بنام گرفتن بقصد استخلاص يك مملکت از
 فشار ظلم و وحشیگری و بملل اروپا مقول شدن
 برای محفوظ نمودن جان و مال عصمت ملتی از
 جنگال حیوان دشمن تمدن غیر از اتحاد و ادق
 مشق و حشی برای تجدید ادخال ظلم و عادات جاهلیت
 و خصایل حیوانیت است ، آنها اتفاق اشخاصی
 که سوابق اعمالشان عالم انسانیت را ننگین و اروپا
 را بر از وحشت و نورت ساخته بود

محمدعلی بکسایکه طرف اسرار نبوده و از حال
 زارش بی خبر بودند میگفت « در طهران خیلی اشخاصی

هستند که برای من کار میکنند و بعضی از وکلا هم
 با من همراهند و با تمام روسای عشایر طرف مکاتبه
 غیر از صولة الدوله ، پیام ایران برسد ، با من
 خواهند بود ، گویا ما ل کنگاش و اجتهادات
 بانصار و بهارک مائی (که سایحشان آن بدبخت را
 باین روز سیاه نشاند است) این شده بود که این
 مهملات را با ایرانیان بگویند تا دو نتیجه از آنها
 حاصل سازند ، اول اینکه ایرانیهای ساده از شنیدن
 این مهملات بعضی بامید و بعضی از خوف آتیه
 طرفدار قبله عالم شوند و از آن طرف این حرفها
 در طهران گوشزد شود همه طرف سوء ظن
 بکدیگر شود و دایره جدال و فداق و ستم هم
 رساند ! از اینهم که میگفت غیر از صولة الدوله همه
 روسای خوائف با من همراه اند ، نظورش این بود
 که ساده ها این استناد را دلیل راستگویی بشاوند
 و آنها بیک خرد دارند تصور میکنند عکس گفته
 او را حقیقت بدانند و این استنباط قلل قال بمرکز
 برسد و صولة الدوله طرف سوء ظن شود و صولة الدوله
 که فقط کسی است که با بختباری تواند مقابله کند
 با مرکز باعی شود و اوضاع ایران درهم و برهم
 شود و آقاین را کار بکام گردد و لحام ایرانیان
 بدستان اند که دو باره مشغول سواری و عیش
 و نوش گذاری شوند !! ولی رندان حقیقت بین
 خیالات و منومات این حقا را مانند نقش در آینه
 میدیدند به تمام نکات پی برده ساده ها را از حقیقت
 حال ملتفت و بر کاسه و کوزه تدبیرات حضرات
 ملوث کاری کردند !

آیچه که از عقل و فضل و هوش محمد علی
 شنیده بودیم بیان دیدیم ! خیلی اسباب حیرت است
 که چگونه این قبیل اشخاص زمام امتیاز می گیرند
 نفس را بدست گرفته هر طرف که میخواستند همه
 را مثل کله پیرانند سهل است شهرت هوش و تدبیر
 بهم میرسانند ، (جل الخالق) این شخص دو سه
 سال تمام ابرایش را به تنگ آورده و زیر و
 زیر کرد و مال و جان و عصمت ایرانیان در پد
 غضب و شهواتش بود ، نه فقط از مغز و فضل و
 اطلاعات بکلی ماری است بلکه هوش يك ایرانی
 مای معمولی را هم ندارد ، يك مجسمه است بر از
 شهوت و غضب و خصایل رذل که تمام حواسش

در دروغ گوئی و تقاب باشد ، در نظر هر کس که
 دارای ادک فهم و ادراک باشد تمام خیالاتش و
 سخافات گفتارش مثل خیالات يك بچه واضح و
 آشکار است ، بعد از تقریباً دو سال توقف در
 اروپا هولاند را مثلاً بای تخت فینلند تصور میکنند!
 و برای درجه عقل و فهم همینقدر کافی است
 که بعد از آنهمه سابقه افعال و خرابکاری و افقضا
 و ظلم و پیدایی که در ایران بار آورد در همچو
 عهد و عصری که امپراطوران عاقل و عالم مشروطه
 پرست (که از خدماتشان در راه ملت و تمدن
 کتباها بدون است) برای بقای نام سلطنت هم
 امیدی ندارند ، همچو شخص امید سلطنت دوابران
 دارد که سهل است از توب بستن مجلس و انجمنها
 و بستن و شکستن آزادی طلبان حرف مینزد و
 میخواهد با این خرافات قانون برای ایران بنویسد
 و با توب بموقع اجری بگذارد ، دیگر البته تصور
 نمیکند که فرضاً هم در ایران سنهای کالانصام بل
 هم اضل هنوز باشند که زیر طار تحکم و ظلم این
 قبیل اشخاص بروند ، مگر دنیا بی صاحب است که
 يك نقطه مهم عالم را بدست يك دیوانه بدهند تا
 هر خرابی که خواهد نماید و ریشه امور عالم را که
 بهم وصل است مختل نماید و از حرکات سنگین اش
 عالی را بر از نفرت سازد ، هیات هیات ! آن
 سبب بشکست و آن پناه و یخت .

پایه اساس گفتار محمد علی هم همان دروغهای
 پوسیده شبیه در طبقه ارتجاعی است
 که بدون اینکه از طرفی اطمینان داشته باشد
 بحسن بگویند حسین با من است و بحسین
 بگویند از طرف حسن یکی مطمئن ام ، چنانکه
 سالارالدوله از کسی که بول میخواست بگیرد میگفت
 همه با من متحد و متفق باید و همه چیز از اسلحه
 و توب و تفنگ برای تسخیر ایران حاضر و حکم
 علماء برای رفتن بایران درجیب و بظلم حاضر است
 فقط معطلی که هست برای پول است و بعلماء مینوشت
 و پیغام میداد که بول لشکر استمداد همه حاضر فقط
 منتظر اجازه شاه هستم که بایران حرکت کنم و ایران
 را از آشوب خلاص کنم .

بهر حال محمد علی بعد از اروپا گردی و مزید
 کشف و شهود صنعت و سخافات خیالات خود و

ملاحظه کمال نفرت و اکراه و بیاعتنائی در شهرهای
 اروپا نمود گفته بروسه برگشت !

- ترجمه از روزنامه ماطن منطبه پاریس
- (مورخه بیست و یکم ژانویه سنه ۱۹۱۱)
- (دول فرنگ تقسیم يك ملتی را که بیست و شش)
- (ملبون نفوس دارد یعنی ایران را آوزو میکنند)
- (پروتسی از ایران سر بلند می کنند)
- (ایران بموجب نقشه سه دهنه)
- (بزرگتر از فرانسه است)

(همین روزنامه نقشه جنرافی ایرانرا کشیده
 و نقشه فرانسه را در قلب آن رسم کرده وزیر
 عکس جناب ممتاز السلطنه سنیر کبیر مقیم پاریس شرح
 ذیل را می نویسد)
 این اواخر خیلی از ایران حرف می زنند !
 و بی علت هم نبوده

روس و انگلیس بعد از سالهای سال عداوت
 از برکت ایران باهم آشتی کرده اند ! روس و آلمان
 که مراوداتشان مدتی در هم و بر هم بود در سرزمین
 ایران میدان اتحاد پیدا کردند ، پس ایران مستقیماً
 میان سه دولت بزرگ اسباب اتفاق شده و غیر
 مستقیماً باعث حسن مراوده است دو دسته مهیب
 تاریخی دول یعنی اتفاق ثلاثه و اتحاد ثلاثه کشته است
 بصیرترین مردمان قرن ما از ابراه حرف
 زده و مراودات ممالک خودشان را با ابراه
 گفته و وضع ایران را توضیح نموده و محسنات
 اتفاق روس و انگلیس را نوشته و از مراودات
 جدید روس و آلمان سخن رانده اند و غیره و غیره
 در این های هوی بین المللی که منظره عمومی ما
 شده غیبت يك صدا مؤثر بود و آن صدا صدای
 با حق تر یعنی صدای ایران است و ما نمی دانستیم
 افکار ایرانی را در ماده اعمال خارجه نسبت به
 آنها ، ملاقاتیکه با ممتاز السلطنه وزیر مختار ایران در
 پاریس کرده ایم افکار ما را در عقاید ایرانیها
 روشن کرد ، وزیر مختار بمن گفت که ما ایرانیها
 بی اندازه هم متالم و هم متحیریم از اینکه از هر
 طرف حرف تقسیم ایران گوشزد ما می شود و با
 مملکت مثل مرده معامله می کنند که سر تقسیم اموال
 آن همسایگانش مشغول دعوا می باشد ، اما متالم بجهت
 اینکه عشق ما به استقلال مملکت خود مان بی اندازه

است و این عشق ما به اندازه محق دارد که مذهب ما خود بزرگترین قلعه وطن پرستی ماست اما تخریب ما از این است که نه در خارجه و نه در داخله چیزی که محق طوفانی باشد که ما را می خواهند دوچار آن تصور بکنند نیست

گاهی این طور می گویند که انگلیس و روس در سال هزار و هصد و هفت ایران را میان خودشان تقسیم کردند و انگلیس جنوب را برای خود ننگ داشت و شمال را به روسیه داده و نمی فهمیم بچه مستند می شوند اشخاصیکه می خواهند قرارنامه هزار و هصد و هفت را فتوای اضحلال ما تصور بکنند ولی چیزی که می دانم این است که بیانات هر چه رسمی تر انگلیس و روس بیانات که مسیو (پیشون) وزیر امور خارجه شما در پارلمنت فرانسه دیروز به آن اشاره می کرد بلا تقسیم بودن و استقلال ایرارا آشکار و رسماً می گوید مگر غیر از این می توانست بشود؟

نمی خواهم در اینجا بشاید آوری بکنم آنچه توضیحی که سراد و دیگری در پارلمنت انگلیس داده و آنچه مراسلات رسمی را که از پترسبرگ فرستاده اند ولی من در همین جای سندی دارم که بموجب آن سنارت انگلیس بوزیر امور خارجه ما بحکم ماه سبتمبر ۱۹۰۷ یعنی یک هفته بعد از قرارداد انگلیس و روس داده و در همین سنده دولت انگلیس از طرف خود و از طرف دولت روس تمهید کرده است که استقلال نامه ما را محترم داشته و بدون ذره مداخله در امور ما با کمک بکند

موافق اطلاعاتی که شخصاً تحصیل کرده ام می توانم بشما اطمینان بدهم که بزرگترین مردمان دولتمند انگلیس و روس هیچوقت از دادن اطمینانات کامل حقه با مضایقه نکرده اند (مقصود از اطمینانات آنست که در سرفسارت کبرای خود بلندن جناب ممتازالسلطه از وزیر امور خارجه انگلیس و بعد از وزیر امور خارجه روس شخصاً تحصیل کرده است) در این صورت بطور دولت روس در پورتسدم تقبیلی را که هرگز وجود ندارد می توانست تصدیق دولت آلمان رساد و بطور دولت آلمان حالا می تواند همین معامله را با دولت انگلیس هم بکند

می گویند که دولت آلمان متهم شده است که امتیاز راه آهن در ایران نگیرد اما فراموش می کنند که مسیو (پیشون) وزیر امور خارجه شما به آن خوبی درباره عثمانی دیروز گفت هیچ يك از دول خارجه حق ساختن راه آهن در مملکت ما ندارد و ما خود مان مختاریم که بکسانیکه بیشتر لایق تر و مستعد تر به ساختن راه ما هستند امتیاز آنها را بیدل خود مان بدهیم

می بینم که بعضی ما هم ما را متهم به این می کنند که در ایران اتباع خارجه در خطر است و این تهمت را ملت بهائیان قشون روس در ایران بخرچ میدهند و حال آنکه این نیست مگر مکره ترین و مدحش ترین انتزاعها!! چرا که در دو (دو وایسون) ما بطوریکه از نطقهای مذکور (اجتماع بزرگ) که در هدم نومی در طهران کرده اند گفته است يك مؤثر هم از سر تبعه خارجه کم شده است!

(خوب است بخیال تقسیم ایران نینتند!)

هزار است همراهی بکنند با ایرانی که میباید دول تربیت شده کار و تکلیفی بر عهده دارد تکلیفیکه لایق است با مقامات گذشته پست و پنج قرنی آن و افکار و علوم جدید که قبول کرده است. ملت ما مرکب است از مردمان رشید و زارع و تاجر و فیلسوف و عذیب و شاعر، برای مشرق مقامی داریم که یونان برای مغرب دارد یعنی منبع تمام علوم و مآمن تمام حکمت و تمام افکار طالبه اروپا که مکرر یونان را خلاص کرده چطور می تواند ابرائیهاییکه می خواهند بلند بشوند و ترقی بکنند کمک نکند؟ آیا فرانسه ایکه مهربی و وطن نایبی تمام رجال دواق ماست، آیا فرانسه ایکه آنچه مشتاقها خود از این کشیده است که همیشه قوی تر نبوده می تواند از ما رو گردان بشود بجهت اینکه ما امروز قوی تر نیستیم!! هیچوقت چیزی را محض منفعت فرنک و منزهت مملکت خودم نمی خواهم تصور بکنم به علت اینکه امور ایرارا بقوه حیوانیت انجام دادن را نمی شود انجام يك امری پنداشت

زود با دیر در اطراف این چنین بی عدالتی مجتمع الکفار و خون ریزی حتمی است

هنوز ما مردمی داریم که خیال میکنند حسین کرد خوره آب را با دو انگشت برداشت و سر کشید، هنوز مردمی داریم که ادا از دنیای جدید خبری ندارند.

نا چیز خودم در مجلس بودم یک کفر آزادی خواه صحبتی از وضع سلطنتهای مقله و مشروطه و مستبده پیش آورد، و نفر دیگر نه از روی تعصب باستبداد و عدم دخوامی بمشروطه بلکه از روی لاین شعوری بر اقوال آن بچاره تکذیب و تردید عوده اند، از این گونه مجالس در بواح شهرها فراوان است بلکه اغلب مردم را دیدم که اگر میگفتی گوینده کلمه حق هر مذهبی دارد مسلمات و متدین بدین حنیف اسلام و با دیگر فرقه یا مذهب برادران دینی اند تکفیر مینموده اند اگر برستی میشد قول خود را مستند بفرموده عالم عثمائی که در حقیقت دشمنان علم و علماء ابن نفاق و جوهر انشقاق عصای اسلام است مینمودند، پس امروزه چنانکه این فیلسوف محترم گفته بمقتضیات شرعی و صرفیه وقت از حضرات آیات الله خاصه و سایر علما و مقررین واقف بمواقف عصر التماس و استدعا میبایم که قدری شیوه ائمه هدی را پیشه کرده این جهاد فی الله را میان در بدد از شهری بنواحی خود آنشهر یا از قبه الاسلام نجف اشرف علی ساکها السلام و از دارالسلام بغداد از فریب داعیات تاریخ دیده واقف گسبیل دارند تا سبب تبصره عامی و طرف گشته نه در ایران تنها بلکه در مملکت و سلطنت دوات علیه عمایه نیز مقررین چندی همه روزه در محلی و وقتی که ازدحام و وقت بی کاری مردم است تاریخ ترقیبات عصر عتیق اسلام و نزلات عصر حاضر و اسباب آنها را و شرح بریشانی مردم را از نفاق و شامت آن و تحصیل سر بلندی هر قومی بلند مرتبه را بواسطه اتفاق آنها بیان کنند، و این امر مرکزی لازم دارد

اگر جسارت و رزم و عرض کم مرکز هم باید مردمان سز کرده فدائی بی غرض زحمت کش باخرج که ادا از احدی توقع نداشته باشد بفرستند انشاءالله خسارتی نخواهد بود، ولی از آنجا که بخارج راه میخواهد نمیتوان چیزی گفت لابد حضرات حجج الاسلام و

عقلای اطراف و شهرها میتوانند از وجوه بره چیز بشمرند که در راه این جهاد واقعی سبب شود، و اگر کسانیکه حالات خارجه و وضع گذران مردم و کیفیات ممالک غیروا یا رؤیتاً یا تاریخاً بدانند بدین امر مهم اقدام فرمایند مناسب تر است از کسان ناواقف ناینا، حقیر دیدم که آقای را که میفرمودند گسبیل شده از مرکز است در بازار با یک عده آخوند قاری عبور میکردند درحالتیکه آن چند نفر رنود بی چاره در آن ایام مترصد بسی بهادرهای آقا بودند، میپرسیدند از بنده ... آیا آب شط را قارون مینامند یا گارون.

در هر حالت امید است که نامه مقدس این ماده از فرمایشات پروفیسر بروث را تعقیب بلکه تشویق فرموده که مرکز و بمبوقین بزودی معین و گسبیل شود که مردم عوام را به قوه خواندش و به فهم نوشتن است بلکه یومیه مانند بچها باید غذای روحانی مواعظ و حکم اتحاد و ترک شقاق و منفی مشروطه و عدالت و استبداد جوهره نفاق را آنها بچشانند.

چون این ماده رای پروفیسر ای جی بروث متعلق بهم سلسله گان این داعی است و هم این ناچیز حزوی از اجزای کسبیتیکه این راد مرد از قنوت در حق آنها اینگونه نتیجه ما حاصل عمری دانش و خیالات بکر خود را آنها ظاهر فرموده از طرف خود و هموطنان محبوب خودم بدین ترانه مترنم و بدین چند فرد ناقابل تشکرات صمیمانه خودم را به یگانه فیلسوف محترم تقدیم و بذریعه نامه مقدس جلد المثنی از نظر کیمیا اثرشان میگذرانم (کوئیه - سید محمد جواد شیرازی مؤید العلماء)

من کیستم تا سر کنم در فضل تو مدحت گری حاجز بیسان اصرح بنان در ناحیه داشنوری ای فیلسوفی کر قدم دادت خداوند جهان نوری که یقذف مایشاء گفتند گر خوش بنگری چون نور علم از اطاب حق بر تو نکلن شد دولت لطف و کرم شد پیشهات از ظلم و جور استی بری ای فخر خلق باختر از بود یکنسانی تو محبوب خلق مشرق و مغرب هر دانشوری

این مضر دانشوران ای حضور ایرانیان
شمع دل ابدان و و جو زیبا رهبری
معجز بیان ابلغ بنات درگاه نیسان و بیان
افصح لسان عیسی نفس در مردگان جان میبری
لؤلؤ نشانی از دمان در بند ما ایرانیان
نو آوری آرام جان از بحر جودت گوهری
ای جوهر انسانیست کت عالی داریه من
جر زده هر آدمی کس باشد از غفلت بری
الکن زمان در مدحت از تضید صوری و خفی
در خدمت اسلامیان ای رشک هر مـحـنـگـری
خواهی جزا گر در از او بینگر قرابت ما
ان لا یضیع اجر الحسـن از قول حی داوری
من بادی بر از شرف گویم که یارب زنده باد
ای حی برون محترم خواهان ملت خاوری
خارد صفای روز و شب از کردگار ذوالمن
درخواست بر جاویدی ایران به نصر و برتری

شام

سال گذشته مفتاح الملک قونسل شام که بواسطه
قدیمی و طرف التفات ارفع الدوله بودن قونسل جده
و مکه شد و سیات اعمال او در آن سابقه بر سفارت
و وزارت خارجه و جراند قاری اظهار من الشمس
است پس از مدخول علاوه از سه هزار و پانصد
لیرا بشام مراجعت نمود و هرچه دستش رسید چون
وجوه باز یافته بود از تذکره های اقامت و غیره
تحصیل و وصول کرد، همین قدر که خبر عزل
ارفع الدوله را شنید بدون خبر از شام مسافر شد از
توس اینک صاحبان حقوق جلو او را بگیرند میرزا محسن
نام ترجمان خود را در شام برای تحصیل باقی و
وجوه تذکره گذاشت، پس از یک دو هفته تلگراف
رسید از شازده فر و خود مفتاح الملک که دفتر و مهر و
علامت شیر و خورشید را تسلیم قونسل نموده تا و
بازم شو وکالت قونسل گری با او است، این وکالت
را مفتاح الملک قبل از حرکت خودش برای یکشب پیش
و عشرت بر اعمانی داوود بهودی از منزل خلیل افندی
ترجمان قونسل نموده مذکور تصویب و تعیین نموده بود که
پس از ورود اسلامبول امر او را از جناب مصلحت
گذار سفارت صادر باید و پس از ورودش باسلامبول
شد آن چه باید بشود
اولاً از بوم وکالت این قونسل که بی کفایتی

او ما بین قنصل دول معروف است تمام حقوق
رعایا مهضوم و همه گونه تعدی بر آنها از مامورین
دولت عثمانی میشود، قونسل نموده و ترجمانش بخیالات
اینکه هر روزه گفتگو و وقوعات بین ایرانی ها
میشود و مدخول کلی میکند این کار را در اول
با اشتیاق تمام قبول نمودند حال که دیدند مداخلی نیست
بکلی پشت یا زدند هر کس کاری دارد مجبور است
برود و بهودی ترجمان قدیم را که یادگار زمان استبداد
است ببندد بلکه برشود و التماس کارش از پیش برود
قونسل نموده وکیل است ایرانیها را قبول نمیکند نزد
خودش، ترجمان او هم که خلیل افندی نصرارودر
حقیقت همه کاره قونساخته او است در ظرف بیست
و چهار ساعت شب و روز چهار پنج ساعت بیشتر
در قونساخته نبود باقی را مشغول کار خودش که
طرفی باشد میباشد این ها ماند

چهار ماه تمام است بیری شیر و خورشید را
نمیزند نام آنکه بیری پاره شده چند دفعه باسلامبول
نوشته اند تا بعد از سه ماه و نیم رسیده حال که
رسیده باز بیری را نمیزند، جهت دارد که نمیزند
چون یکماه و نیم قبل یعنی قبل از ورود حاج از طریق
بغداد هوا قاتی که مسئله یاد داشت انگلیسها در باره
جنوب ایران صنجات جراید را بر کرده بود و
هر کس یک نوا و یک عبارت مسئله تقسیم ایران
را بین روس و انگلیس و عثمانی می نوشت قونسل
نموده که وکیل قونسل گری ایران است امر داد
که آرمه شیر و خورشید که علامت رسمی بالای
در قونساخته میباشد بائین آوردند، بعضی ایرانی ها
از ترجمان وقواس قونسلات نموده سبب را پرسیدند
گاهی گفته بودند تعمیر لازم دارد بعد از تعمیر دوباره
نصب میشود و حال اینکه دوروغ بود وقتی گفتند
بواسطه ایام حاج که حجاج و حکام و حمله دار بواسطه
دعای خود اسباب درد سر قونسل نشوند بائین
آوردند بعد نصب میشود و حال آنکه تمام دوروغ
بود، تا حال که یکماه و نیم است ابداً نصب نموده اند
و بیری هم نمیزند، تمام ایرانی ها بعد از آمدن اند
هر چه باسلامبول نوشته شد علی الحساب یک جواب
تو خالی هم که بنویسند (اقدامات لازمه خواهد
شد) رسید، مطالب حجاج و تعدیاتی که امساله از
بی کفایتی وکیل قونسلگری و ترجمان او از مامورین
عثمانی بر آنها شده زیاد است

طرابلس غرب

امسال در ماه ذی الحجه در دوم ووزعید باران بسیار خرم بارید و در هفت روز بزرگران بنا بکاشتن گندم و جو و سائره نمودند و تا اکنون که قریب یکماه و بیست مر هفته باران رحمت رسان مبارک ولی هجج تدنی در اسما ر دیده نمیشود و این از احتسار تجار اجانب است و این

مشیر مرحوم رجب پاشا تا سه سال پیش ازین خیلی آثار برگزیده گذاشته بود و والی حالی که ابراهیم پاشا است نیز در باب ترقی کوتاهی بمیورزنده غیر از لپاهای (کوکس) که هر یک در ضو به با صد شمع است که مرحوم افروخته بود. ابراهیم پاشا پنجاه و هفت عدد در آما افزود و اکنون در اکثر محلات مانند روز در شب توان گشت و گذار کرد، حتی در شهرهای معتاد نیز افروخته میشود

تقریباً یکماه پیش ازین دو نفر حانی را به دار آویختند بمقاد آبه (ولکم فی القصاص...) جرایم بسیار کم شده حتی عشا پر عرب اسلحه سلا را دو قصبات می فروشند و دست از خریدن اسلحه برداشته اند. سرحد میان طرابلس و تونس نزدیک است که تمام تجدید شود و در آخر زمستان همه اختلاف رفع خواهد شد. مملکت خیلی وسعت پیدا کرده. حتی ایبه جدیدی که در خارج (سور) است بش از ایبه اصل شهر شده است و شهر جدید سه حاده خیلی وسیع دارد که همه سنگ فرش کرده اند.

مکتوب يك از خواتین

قاتل غیر مسؤول

(یعنی طبیب نما و حریص بول)

خواست وزیر علوم با وزیر داخله در تمام ایران هر کس بدون اطلاع وزارتین باسم مطب دکان قریب مردم و آدم کشتن و بول گرفتن باز کرده و میکند دکان او را خراب کنند و صاحب دکان را باطله عدلیه به (سزا) رساند و تصدیق نامه های مصوبی و شخصی آنها را بسوزانند.

مگر آت طبیبی که در يك یا دو یا منتهی سه فن واحد تصدیق نامه علمی تاریخ جدید از مملکتی که حفظ الصحه آنها کامل است دارد آن هم بشروط دلیل.

(۱) هر طبیبی تا ابوالای مطب خود نصب نماید ماینضمومت (من طبیب فلان مرض هشتم باطلاع وزارتین)

(۲) در يك مرض واحد یا ده یا منتهی سه مرض که دو باره امتحان میدهند بیشتر مالمه نکنند و تشخیص اینطلب از تصدیق نامه و امتحان جدید و تجربه سالها گذشته او مشخص نمایند.

(۳) وزارتین رای حق العلاج هر مطبی بروگرام بویسند و در مطب نصب نماید.

(۴) هر روز منتهی چند نفر صبح و چند نفر عصر بیوت و عمره در مطب رسیدگی شده و دستور داده شود به جمعیت بی اندازه.

(۵) یک نفر ناظر با بصیرت از طرف وزارتین در همه مطب ها گشت نماید ~~که~~ اگر (اخلاق فاسده) از قبیل طمع تکبر و خشونت و تغیر و لوسی و وحشی گری و افاده و حیل و مکر دارند بروز ندهند و ر مجبوران فلک زده را که جانشان در کف قدرت آمان است ادیت نکنند.

(۶) اگر همه جا رسم است که باید دواخانه ها نسخه با طباء بسپارند در ایران هم معمول باشد و الا موقوف شود.

وارث يك از مقتولین (فاطمه)

بنت حاجی سیاوش میرزا

استرآباد

شاهزاده طفر السلطنه فرما فرمای استرآباد سمنان دامغان شاهرود، عصر یوم جمعه ۲۵ محرم در حالیکه برف و شدت سرما بطوری بود که در استرآباد کمتر کسی بخاطر داشته بمقر ایالت جلیله کبری نزول اجلال فرمودند. مراسم استقبال بروجه احسن بطور معمول بعمل آمد

جناب ساعد لشکر نایب الایاله نیز در (خبرآت) دوفرسخی شهر تدارکات لازمه را فراهم نموده تمام سوار ولایت بیوت با دسته جات پلیس اداره اطمنیه استقبال شایان کرده اهالی شهر از مابته تجار محترم و کسبه و اصناف از درب میدان توپخانه تا بیرون دروازه شهر تا کمال مسرت و شوق خاطر می که از ورود حضرت حکمران داشتند حاضر بودند، از قرار تحقیق صد نفر سوار جهان شاه خان و

دوست فر سوار کلوداری و غیره مامور و ملتزم و کاب بودند که تقریباً یکصد و بیجا نفر آنها بواسطه شدت سرما و زیادتی برف تا کنون وارد نشده اند. فوج عرب و عجم هم مامور استرآباد میباشند. گویا بواسطه سرما چند روزی آمدن آنها تعویق پیدا کرده امید داریم حضرت والا همین طوری که در چنین سختی سرما و زمستانیکه واقعاً کتر سالی دیده شده است با صدقات فوقالطافه قبول این خدمت بزرگ و ابدیات و ملت فرموده اند بزودی رفع بعضی نواقصت مرشدی را فرموده اهالی استرآباد را آسوده و در همین منت خودشان خواهند فرمود

محمد رضای طهرانی

بندر لنگه

از اقدامات نایب الحکومه جدید لنگه دوامیت و آسایش است. سارقین محبوس و آنچه اموال موجود بود بصاحبانش داده شد

بموجب خبر تازه که از مضمو رسیده برای آمدن که آتش مثل مرکب سیاه و تلخ بود است.

لارستان - از قرار اخبار آن که تازه رسیده باز بنای همان افشاش سابق است. در ورود جناب آقا سید عبدالحمین، حین که کی مشهور و شیخ فکریه و غیره به لار آمده ناچه در نظر دارند. بموجب اخبار قاصد مخصوص که رسیده کلاستر (خور) که دلار بوده کشته اند.

اداره پستخانه در کمال انعام ایکن افسوس که نمیتواند از امانات جهازات - بلوگیری نمود که خیلی اسباب خسارت اداره فرام آورده اند البته خوبست تا درجه جلوگیری شود.

دوبی - هنوز مردم در خوف میباشند و دایم يك منوری در آنجا حاضر است، و چون که باندازه دو قد باشد در حاشیه دریا نصب کرده اند و يك جالیوت بزرگ با يك عراده توپ کوچك و ۲۰ نفر سولجر دائم بهلوی همان جوب میباشند تا بعد چه پیش آید.

کرمان

قریب یکماه است قونسل روس حرکت بطهران نموده، یکدفعه در ۱۷ فرسخی شهر از غفلت سواران امنیه به او را شش نفر دزد قرائی و بیجاچی زده تعاقب کرده پس گرفته اکنون مدتی است در (انار)

توقف و جبرنت حرصکت ندارد زیرا که دزدان زیاد از فارس آمده قافله را در کاروانسرای (انار) برده و قاش در کاروانسرای شمس نشسته از نهار باج میبخوانند که اجازه دهند مال آنها را حمل نمایند و الا خواهند سوخت. خداوند مکافات نماید محرکین این سارقین را که سی دارند بزودی ایران را به باد دهند. مسلم است ملکی که صاحب ندارد. رجال وطن پرست کافی ندارد. عبرت در آنها نیست قدر نهایی خود را نمیدانند. ملت جاهل حشرات الارض آرزوی حکومت غیر را دارد که در این ناملاپات آسود. کردند.

ناخوشی (کلرا) در شهر تمام شده است بعضی از قالی باف های بیچاره که از قالی انشایی برده بواسطه عدم ظرفیت مرکب قباچ حقی قتل نفس شده از استماع حکومت حضرت والا جلال الدوله دم خود را جمع نموده که شاید مجازات یابند

افواه است که حکومت حرکت کرده امید است بزودی ورود فرموده توحیی باین نقطه فرماید زیرا که موقع امنیت بلوچستان امسال بز میگذرد. فرداست که دولت جنوب پروتست امنیت بلوچستان را خواهد نمود. گویا از وزارت داخله حکم شده امنیه با صد نفر سوار برود قونسل روس را به نزد رساند. عجله اهالی خیلی بحکومت حضرت والا جلال الدوله امیدوارند که شخص مجرب و وطن پرست با سیاست منمولى است. مسلم است اگر امنیت را در کرمان قائم نماید و در نهایت قدرت لامحاله در مدت یکسال خرابی هارا اصلاح، ادارات را مرتب فرماید، حکومت کرمان برای ایشان است دائمی متدرجاً نواید کثیره نیز از تجارت از زماندن این ملک خواهند برد. چنانچه بعضی حکام ماضی در استبداد دخل وافی از تجارت برده و امنیت کرمان اهمیت زیاد ندارد فقط جلوگیری از سارقین فارس امنیت کرمان است لکن احتیارات نهم نامدنی لازم است داشته باشند.

فی الحقیقه در این دوره اول امتحان است از حکومت شامرادگان بزرگ در شهر های ایران زیرا که رؤسای ایلات را دیدیم ابدأ مالک ترقی قشون بومی بودند همیشه دولت را محتاج بخود میخواستند، اعتقاد تقلاى این ملک این است که اگر نواب والا

لصرت الدوله را در دوره اول مشروطه از حکومت کرمان معزول نکرده بودند کرمان این قسم خراب نمی شد تکلیف اول حکومت معظم حایه مرتب و منظم نمودن قشون کرمان است که افواج سابق او را با همان حقوق که دولت میدهد بدون دیناری حیف و میل رسانیده سرباز جنگی جوان در میدان مشق حاضر و بانصد نفر سوار قابل تریه نمایند که هم کار امنیه را نمایند هم حاضر برای مأموریت سرحدات باشند ترقیات بلوچستان امری دیگر است پس ادارات نظمی عدلیه وغیره را اصلاح فرمایند البته این کار اختیارات تامه میخواهد مثلاً اداره مالیه باید جزئی و کلی مالیه کرمان و بلوچستان را بدون آنکه یکدیگر بگیرد احدی برود دوباسکی یا تجارت خانه یا نزد چند هر تاجر معتبر معین نموده رسانند و متدرجا حقوق ادارات را الا هم قاعده حواله نمایند

اگر هر اداره مدخول خود را برده بگیرد خود و بخته خرج نماید و فرض بودجه هم بدهد باز خرج و مرج خواهد شد با فلان تجارت خانه که با هر ار هر داد و ستد دارد مالیات را عوض طلب خود بردارد غلط است

هر این است شش نفر از تجار معتبر بومی شهر را معین نموده در حجره مخصوص عموم مالیه را تحویل داده رسید بگیرند مسلم است فایده بزرگی هم در این کار است که باید دولت خواهد شد دیگر يك اداره حقوق خود را نقدا بر نمی داند و حقوق اداره دیگر لاوصول ماند یا مثل سنه ماضیه در طهران مبالغی قبوضات مواجب و متمرری را فلان اجزاء و زرمالیه بجزئی خریده از وجه نقد کرمان گرفته حقوق فقراى خود شهر و طهران دو ساله سه ساله باقی است .

تکلیف دیگر تفکیک و رسیدگی بحساب ۴ ساله عموم ضباط است که جدا رسیدگی شده آنچه در محل و نزد ضباط است بگیرند صکه تمام خرابی این چند ساله از همین مطلب است که نمیخواهند حساب برپا شود همیشه باید خراب باشد که بمبادا مسئول کردند و شرط همه آن این است که حضرت والا اگر کمی هزار تومان بدهد برای صد تومان حساب قبول فرمایند جز تفکیک حساب عمل آمده

دیگر جمع آوری و رسیدگی بذخیره دولت است و جمع آوری تمام قنك و فشنك وغیره نزد هر کس باشد بعد از این امور و اصلاح آنها بساير امورات معارف و مدارس و اوقاف پردازند طول و عرض ایالت کرمان از فرانسه زیاد تر دارای بسی معادن زرغین و تجارت آت از سایر صوبجات زیادتر امنیت آن سهل و آسان در ده سال امکان دارد سه کرور بر عایدات دولت بیفزاید ، اکنون بکنفر صاحب فسخ قوی و حکمران دانای عاقل قوی النفس میخواهد که مثل فتوحات تمام چرخهای این ایالت را اصلاح فرموده راه اندازد و بجزئیات فتوحات فرماید ، نام نیک ابدی بر خود گذارد و الا زمانی نخواهد گذشت که دولت های همسایه همه این حدود جنوب را تجزیه کرده مثل اول کار و غوث آنها در هندوستان که دو بیست دولت کوچک تشکیل داده هر يك را اقتدار و متدرجا این دولت های دوست را یکی یکی محو کرده تاکنون که تمام این مملکت بر نعمت دارای سیصد میلیون نفوس در بجه اقدار آنها آمده اولاد شامزادگان بفقرو فلاکت مبتلا گشته محتاج بذکر نیست رعیت رعیت است ، این بلاها بر شاهزادگان و زرگان وارد خواهد آمد

در راه هم بکنفر اکبر صادق جمال چهل شتر داشته ، چهار نفر افغان که به بهاء کاسی جزئی اسباب آورده فروخته میرفتند او را قطعه قطعه کرده شتر او را برده احدی از هم و کرمان تعاقب نکرده از این مقوله کارها زیاد است که از ذکر آنها محجز داریم ، رؤسای ایلات در فارس خوب است بچنگ دول یکدیگر را مقهور نمایند یعنی غیرت این نیست که بجه دشمنی یکدیگر در تاراج رعیت فقیر کرمان الی بندر عباس را نمایند هزار آفرین بر این مردی و غیرت و مرداکی آنها

▶ نگارنده واقفی از بوشهر می نویسد ◀ جناب نظام السلطنه را امنای ملت و دولت برای نظم مملکت فارس و سواحل دریا انتخاب با محدودی از اشخاص لرستانی و اجزای شخصی وارد بوشهر گردیدند دریا بیک در جهاز استقبال و ملاقات کرد ، حضرت ایالت با کمال سادگی اظهار داشت که جناب دریایی تقریباً مدت بیست و چند سال است که خانواده ما از مرحومات نظام السلطنه

و سعدآلک تا زمان خودم شما را شناخته و خود
یکجہتی باحقہ ایم . در اینموقع تنگ کہ مملکت
ششہزار سالہ ایران فوشرف رفتن است چند روزی
با ما از روی صداقت پیش بیاید کہ ہمدستی شما دفع
مفسد از جنوب کردہ نام رفتہ را بدست آریم
دریابیکی یا آن زبانی کہ دارد ہمہ نوع تعہدات
کردہ اما نا از مرکب پیادہ شدند در خانہ جناب
حاج عبدالرسول رئیسالتجار کہ بجمہت حضرت ایالت
معین کردہ منزل نمودند . پس از ملاقات با جناب
سردار عشایر و غضنفرالسلطنہ برازجان و اسمہیل
خان شبانکارہ و سایر خوانین دشتستان دریابیکی
مرخصی حاصل و بہ منزل خود رفت چند روزی
حضرت ایالت مشغول بذروائی دید و بازدید نجار
وانسراف خارجه طرف برازجان حرکت فرمودند .
در ورود برازجان میرزا علیخان حیات داؤدی را
خدمت دریابیکی رواہ کہ یانصدنفر تنگگی دشتستانی
و یک مرادہ توپ و یکصد سوار تدارک کردہ ام کہ
برداشته طرف بندر عباس رفتہ از آنجا ہم تدارک
اوردن کردہ مشغول نظم شوید کہ من ہم از فارس
تشکیل اوردن نمودہ با توپ و سوار و تنگگی بہ لار
وسبہ فرستاد کہ بشما ملحق شود . دریابیکی ہم
حاضر کار شدہ بعد از یکروز پشیمان معلوم شد کہ
انگشت خارجه ہا درکار بودہ . و نیز حضرت ایالت
فرمودند کہ جزیرہ خارک سالی بیست ہزار تومان
غواصی دارد و شش ہزار تومان معلمی باید آنجا را
تصرف و عایدی آنجا را صرف قشون کرد راضی
نشدند . خوانین حیات داؤد کہ سالی ہزار و یانصد تومان
بدیوان می دہند و سالی چہل ہزار تومان از حیات
داؤد و بندر ویک در جزیرہ خارک می برد باید
یانصد نفر تنگگی در بوشہر ہمہ وقت بگذارند کہ
مستحفظ شہر باشند . چون دریابیکی اقدامی نکرد
حضرت ایالت مایوس و روانہ شیراز شدہ بلکہ
سعایت در کارہای تنگستان ہم داشت و ہر روز
گمرکی ہا را بشکایت از ایالت دستورالعمل میداد
با این وضع ما انتظار نظم از جناب نظام السلطنہ داریم
(تلگراف جناب صولت الدولہ سردار)
(عشایر از بوشہر)
حضور مبارک حضرت مستطاب اسعد امنع
اقدس والا نندگان وزیر داخلہ دامت شہ کتہ

دستخط تلگرافی در مسئلہ سرقت در موقعی
کہ باستقبال ایالت جلیلہ بہ بوشہر میامد در
احدی بکمزلی بوشہر زیارت شد . اینک کہ وارد
بوشہر شدہ جہرض جواب جہاوت مینماید . تفصیل
این سرقت کہ قبل از ترتیب تنگگی راہ و اعلام
تجارت واقع شدہ و اقدامات خودم را بعد از
استحضار از این قضیہ و فرستادن جمعیت و استمداد
از برای تنبیہ سارقین و استرداد اموال مسروقتہ
در جواب دستخط ہایی ماخہ مروض دانستہ
بکازرون فرستادہ . البتہ از حضور مبارک گذشتہ
است . در احدی بہ آقای مفیث الدولہ تلگرافی نمودہ
دستخط ہای صادرہ بایشان را زیارت کردہ ہمہ
وقت متشکر مراحم حضرت اقدس والا بودہ و
ہستم . تا جان دارم در شرایط خدمتگذاری نفلت
نخواہم کرد . عجزاً محمدعلی خان کشکولی را با عدہ
کاملی برای تنبیہ سارقین فرستادہ توپ را ہم
نوزدم از کازرون حرکت دادہ اند .

در باب سوارہ قزاق کہ مقرر فرمودہ اند برای
این خدمت فرستادہ اند . اولاً بان نقاط کہ کومستان
سخت و بی آبادی است سوار بی چادر و بی تیرہ امکان
رفتن و زیست کردن را ندارد . ثانیاً از شیراز باید
سواری فرستادہ اند . فقط یک عدہ قزاق و سوار
فقحیہ عنوان استقبال ایالت جلیلہ فرستادہ اند کہ
در احدی آنہا را ملاقات نمودہ و البتہ این قرہ
لازم تر است . طايفہ جان شہار قشقلی از فضل
خداوند و مراحم کاملہ حضرت اقدس والا عدہ
شان زیاد است برای خدمت امیدواری و دلگرمی
داشته باشند محتاج بہاوت عسیر نیستند . با قدر
دانی حضرت والا انشاءاللہ خدمت شایان خواہند
نمود خاطر مبارک از طرف امنیت فارس
آسودہ باشد

▶ بندر عباس ◀

شہر فعلاً امنیت دارد نوابی کم و زیاد دزدی
میشود چنانچہ چند بوم قبل یک عدہ الاغ کہ
قریب ۲۲۰ رأس بود مال طايفہ افشار کہ مال تجارتہ
آورده بودند عباسی از ہ فرسنگی بسرقت رفت
نایب الحکومہ تنگگی فرستاد ولی چون الاغ خالی
بود تنگگی فرستادہ را مستطاب اسعد امنع

معلوم دزدان اشراو عرب بوده اند که حوالی لار مسکن فارو.

مجدد ۶ یوم قبل ۳۰ راس الاغ مال قافه گوده بسرقت رفت ولی اهالی (کچین) از توابع عباسی جلو گیری نموده الاغان را از دزد گرفتند کتون صاحب مال رفته که دریافت نماید

فتنگچی حکومتی که درشمیلات بودیس ازرفتن حسین معروف و اسدالله خان و آقا کریم مشغول اخذ مالیات از اهالی میباشند، یعنی از کسانی که قوه داشته وغارت نشده باشند تا یک اندازه وصول شود لاکن تمام مالیات وصول نخواهد شد لطف انجاست که بعضی از اهالی تاکنون سه قره مالیات داده اند و هنوز هم اصل مالیات دیوانی بر زمین است مثل اینکه چند یوم پیش عدله از اهالی (جامستان) آمد. بودند عباسی خدمت جناب شریعتمدار آقا شیخ علی متظلم بودند که تاکنون ۳ قره مالیات داده ایم این قسم که یک قره آخوند ملا لطنعلی یک عشر محصولات از ما گرفته. قره درم اسدالله خان گرفته. دفعه سوم حسین معروف جبراً گرفته. و اکنون ماور حکومتی مطالبه مالیات مینماید، استدعا دارم از نایب الحکومه محو امید گذشت نماید.

حال ملاحظه فرمائید حالت اهالی بدبخت چه قسم است دادرسی هم ندارند، مجبوراً نایب الحکومه عباسی باید تخفیف بدهد آن هم از کیسه دولت میشود

تاریخ ۱۰ صفر از طرف قونسلگری دولت انگلیس ظامراً نایب الحکومه نوشته اند یک نفر هندو هیرا نام از تبعه دولت انگلیس ۱۴ یوم است در میناب معقود شده یا خود او را پیدا نموده و با اگر کشته باشند قاتل او را بدست آورید، مصباح دیوان نایب الحکومه اینمطلب را تلگرافاً بدریایگی اطلاع داد، خواهش رفتن خریدش به میناب کرده بود، جواب رسید فوری حرکت کن.

نایب الحکومه نیز این مطلب از خدا میخواهد که وقتن میناب بی مدخول نیست هم مخارجی جهت دوات درست میشود و هم اخذ از اهالی خواهد شد این خبر که شایع گشت اهالی عباسی بملاحظه اینکه اقواء خبر حرکت دزد و اشراو عرب از اطراف میرسد صلاح در حرکت نایب الحکومه ندیده اظهار نمودند تکلیف نیست بروید ظامراً در جواب اظهار

داشته از حکمران مملووم نمیتوانم تروم از خودش بخوامید، اهالی ۱۲ صفر تلگرافی با سیم انگلیسی به بوشهر بخاره نمودند باین مضمون (بوشهر حضرت حکمران، رفتن مصباح دیوان میناب صلاح نیست بواسطه قرب اشراو عرب وسیعه عباسی مخاطره دارد در نبودن حکومت امکان نوبت نیست، اهالی عباسی) تا بینیم جواب چه میرسد

اما در این مسئله بملاحظات است اولاً وقتن مصباح دیوان به میناب لاعلاج باید ما استمداد باشد مخارج بر دولت تحمیل میشد در نبودن حکومت هم احتمال کمی داشت که اشراو و سارقین از اطراف بمحوالی عباسی بیایند، اهالی نیز لاعلاج تلگراف بدریایگی می نمودند آنوقت خودش عزم عباسی می نمود تلگراف اهالی را بهانه می ساخت و خرج تراشی جهت دولت درست می کرد که عده مقصود همین است، ولی ضروری که از این تلگراف اهالی ملاحظه میشود ایست که سند بهانه در مخاطره عباسی بدست دریایگی آمده است که بصبران بخاره نماید و آن هم بدون ضرر دولت نیست، ولی از وضع سابق کمتر زیرا که حرکت حکومت و نایب الحکومه البته جهت خرج تراشی مهم میباشد بل از بی توجهی اولیای امور بسرحد مملکت و نبودن حاکم و مستحفظ ومن خواه بهتر از این نخواهد شد

تقراری که بعضی از تجار از میناب نوشته اند هندوی مزبور چون بده کاری به نجار هندو ساکن میناب و تجار داخه داشته خودش از میناب فرار نموده و الی (سیریک) که خاک بیابان و از حدود عباسی خارج و درکنار دریا میباشد خود را رسانیده که در کشتی سوار شده روانه شود، ولی بعد از آن معلوم نیست کجا رفته باشد اینست که قونسل همسایه هم بی بهانه میگردد

(ایضاً)

در شماره ۲۹ روزنامه مقدس تحت عنوان امتنان ایرانیان از انصاف یسندی دوات انگلیس ملاحظه شد، ولی کلیه ما ایرانیان نظر بصداقت و درست کاری خود مان بملاحظه اندک اظهاری از همسایگان قبول نموده اظهار امتنان مینمائیم و بی خبر از اینکه دو مدرسه پلنیک درس مقام عهد و

صداقت نمیدهند، اینست ~~مکه~~ مکه مجدد در شماره ۲۰ روزنامه مقدس قول وزیر خارجه انگلیس با آن لفظ محفوظ داشتن یاد داشت خود الی موسم بهار و امنیت جنوب را موقتی و بواسطه سورت سرما هاستن ملاحظه شد

این است که بکلی بقول همسایگان مهربان اطمینان نباید نمود و بخیال حفظ وطن و قومیت و ملیت خود باید بود، ولی ظاهراً وزیر خارجه انگلیس تا کنون نفهمیده که اغلب ایرانیان بی بضار و منافع خود برده اند و بنیابین اغلب اهالی اتفاق و اتحاد واقع و حکام خیر خواه وطن دوست در هر نقطه مأمور و تمام اهالی در حفظ وطن و قومیت و ملیت خود جان و مال خود را قدری و هائی نمیدانند و همگی در دفاع از وطن مقدس حاضرند دیگر آنکه ظاهراً وزیر خارجه انگلیس اطلاع از اتفاق و اتحاد مرکز روحانیت اسلام ندارد که متدرجاً دارد تمام مسلمانان عالم را بهم مربوط میسازد پس هرگاه متجاوزین بحقوق مسلمانان از ضبط سیاسی و بلتیک بی فایده خود باز نیاید تمام مسلمانان عالم را بخلاف آنها قیام خواهند داد و کان نمی رود از این اقدامات سوای نقصان نفی داشته باشند

تاریخ ۸ صفر تلگرافی از آقای نظام السلطنه بعنوان آقای منصور السلطنه رئیس ایل عرب توسط مصباح دیوان رسید با قاسم مخصوص فرستاده شده که نظم آت حدود و جلوگیری از انحراف حرب را از مشارالیه خواسته بودند هر قسم جواب برسد عرض خواهد شد

نقل از روزنامه شریفه چهره نما

(منطیحه مصر)

(مکه معظمه)

از وضع مکه معظمه و این قبله گاه چهار صد هجریان مسلمانان کره ارض اگر بخوام بنویسم (مثنوی همتاد من کاخذ شود) البته کارگذاران دولت علیه عنای در این دوره مشروطه توجه خود را از این مرکز منحرف نخواهند نمود و اقلانیه بلدیة مکه اهمیت میدهند که در انظار فرق مشروطه و مستبدانه معلوم گردد - شریف مکه در امنیت و اطمینان و آسایش مردم و جلوگیری از اعراب و هشایر بدوی خوب خدمت کرده ~~مکه~~ مکه موجب تحسین است .

امسال را میتوان گفت پس از نجات سال حجاج ایرانی روی آسایش و راحتی و معنی قانوندانی دیدند و دانستند که دولت ایران آدمهای امین دواتخواه قانون خیر و صلاح و شؤن و حقوق دوات و ملت را هر کجا باشند محفوظ میدارند و او آقا میرزا اسماعیل خان آصف الوزاره جنرال قونسل جده و مکه بود، اگر عرض کنم تا حال چنین جنرال قونسلی یا کدامین و درست عمل مردم ~~مکه~~ مکه ندیده بودند قبول فرمائید و از خوشبختیها یکی نیک فطرتی معاون او بود که روی همه را سفید کرد، از جمله دار ها چیزی نگرفت، کرایه از جده بمکه ~~مکه~~ مکه باشتراك چند نفر سابق بود و تا ده لیره میرسید امسال بدو ریال مین رسید، بود، حجاج مستبد و مشروطه خنثی بودند، منجمله (امیر بهادر جنگ) بود که خود را در حمایت (شریف) میدانست و یک جبه خزی برای شریف تعارف فرستاده بود ~~مکه~~ مکه بکویا بعضی خیالاتی در حق او داشتند جناب (آصف الوزاره) مانع شد، از خانواده شاه مخلوع هم حبی بودند و کن الملک مایب الحکومه سابق اصفهان با رئیس بلدیة اصفهان هم بودند، چند روز بارانی متوالی آمد که مردم را خوف گرفت و چندین خانه در مکه خراب شد و چندین نفر زیر آوار رفتند و هلاک شدند منجمله دو نفر ایرانی که یکی از اجله ~~مکه~~ مکه علما بود ،

ایضاً

(ورود سیاسی نمود)

در خلال اسبوع گذشته بگانه جوهر عبرت و کیاست و عنصر حجت و فراست جناب حاجی میرزا اسماعیل خان آصف الوزاره جنرال قونسل جده با یکدیگر سر بلندی و افتخار که در خدمات فائده دولت و ملتخواهان در این مأموریت بزرگ که نخستین بونه امتحان بود نائل آمده بمصر ورود نمودند ، اعضاء اداره (چهره نما) تشکرات صمیمانه و تهنیتی خالصانه از حسن انتخاب آقای مستشار السلطنه شارژد فر سارت کبری و ورود ایشان سروده و ضمناً توجهات عمیقانه سیاسی پررانه اولیای امور خصوصاً وزارت جلیله خارجه و سارت کبری را باین نکته عمیق و معطوف میداریم ، که امروز وجود غیرت بود ایگروه جوانان مهذب آراسته که لیاقت فطری و استعداد

حزبی خود را در حفظ شئونات عالیة دولت و حقوق مقدسة ملت در نقطه مهمی که خرافکار اسلامیان و بطرگاه عالیاست با حسن وجه مشهور میدارند باید مقنن دارد و ببقا مهمی ایشانرا مامور کند دولت سر بلند و ملت ارجمند باشد .

همچنین بصحابت ایشان یگانه نهال آرزومندان جناب حاجی میرزا حسین خان کالم زاده که بست مقتنی جده در این مسافرت مامور بوده اند بمصر ورود کردند و دیده دوستار را از وجود ایامت نمود خود روشن نمودند .

پس از توقف بمدودی ایام و سیاحت مواقع مهمه مصر و حسب امر تلگرافی ستارت کبری بطرف اسلامبول حرکت نمودند .

سنگاپور از دست بکار شد

خود رانی و استقلال خواهی لاردر کوزن تولید يك هیجان آزادی خواهانه در هندوستان نمود اگرچه سبیل آزادی که از مقرب رو به مشرق گذارده و بروز خودت و جلالت ژاپون يك حس بیداری در عامه آسیائیان طبعاً پیدا نمود ولی لاردر کوزن آنچه را بایستی ده سال دیگر در هند پیدا شود مشرق دست قبل از وقت پیدا ساخت. اساس این هیجان از تقسیم سونه شکل به دو حکومت قائم گردید. و آواز (هند ماترام) سده مادرم از سنگاپور برخاست و شروع به (سوادشی) استعمال امتعه وطنی و بائیکات امتعه اهلستان گردید . ورته رفته برخی از ارباب سیاست هند بلیک را در لباس مذهب و حب الوطنی را از ارکان دیانت قراردادند فدائیان چند پیدا و مجلس سری ایجاد و با تمهال آلات ناریه از ریواور و نارنجک و امثال آن خود داری نه نمودند .

لاردر متوجه جانش لاردر کوزن با اینکه مدبرانه - رات نمود یعنی از يك طرف ربهارم و اصلاحات جدید و عهده های مخصوص به بومیان هند بخشید و از طرف دیگر بسختی قلوب معارف پرداخت ولی آنتی که از استقلال خواهی لاردر کوزن در قلوب برخی از جوانان سنگالی تولید شده بود نتوانست از التهاب اندازد . این است که از چندین مابین طرف برخی از سنگالیان آغاز به ده چینی از افسران اسکلیسی و بومی حکومت نهادند، چندین با منتهای زور و شور ابراز فعالیت داده و ادارات حکومتی

را مشوش میسازند و همینکه حکومت جدا بتلاشه او فتاد قدری ساکت شده پس از چندی باز آغاز به یک چینی میکنند چنانچه از چند سال باین طرف مسلک برخی جوانان سنگالی همین بوده است .

عجب تر اینکه سنگالیان که در جمیع اقوام هند به زودی معروف بود. اند از قوه الکتریسی حب الوطنی چنانست . جرات و جلالتی حاصل کرده که مرگ را در نظر خود تجدید حیات با ترقی میدانند ، چنانچه کسیکه مرتکب قتل شده و نصاص اعدام در آمده در حین قتل خود سخنان جلالت کارانه که مزید حرمت در سایرین گردیده ابراز داد . خصومت این فرقه که هنوز اسمی خاص بروی خود نگذارده اند اختصاص بانگلیار دارد بلکه هر یک از افسران بومی یعنی حق برادران سنگالیان هم که پیرو مراعات عدالتی شده در صدد گرفتاری آمان بر می آیند و نتندان بهادرت و علانیه بگویند که این گونه اعضاء در حسم و سن فاسد و قتلش موثر حیات سایر اعضاء وطنی میباشد . چنانچه بتازکی يك از افسران بومی پلیس که پیرو تلاش يك از هیئت های مجرمیند یکی بود در یکی از کوجهای کالکته قتل رسانیده و با این حکومت هر از رویه وعده انعام داده که خبر از قاتل بیاد حقیقت نیافته است و چند یوم قبل يك از جوانان سنگالی نارنجکی به يك اسر حکومتی که سوار اتوموبیل بود در ملاء عام روز روشن انداخته ولی کارگر بهتاده است و مرتکب گرفتار شده اقرار نموده است که من قصد قتل فلان افسر را داشتم فلان جهت سهواً نارنجک در ملاء عام فلان اتوموبیل انداختم نارنجک ها را سنگالیان خود درست میبایند ، نارنجکهای آنها بسمیکه شاید و باید نیست ولی مسد است که در این فن اگر چندی دیگر بهادرت کنند ارستاد شده کار خیلی سمعت حوامد گردید، حکومت جدید گویا مسئله تقسیم سنگال را در شورای هند مجدداً موضوع بحث قرار دهد و هیچ بید نیست که تقسیم سنگال مرتفع شود، ولی حرف این است که آیا اگر تقسیم سنگال مرتفع شود سنگالیان آرام خواهند گرفت ؟ بعقبه ما خیر - چه این گونه حسیات در هر قومی که پیدا شد رفش محال میباشد خصوصاً با اوضاع کنونی دنیا که حس آزادی خواهی در جمیع آسیا روز افزون است

فقط کاریکه میتوان نمود این است ~~که~~ بحركات خشونت کارانه حساباتیکه ده سال بعد باید در قومی پیدا شود نگذارند قبل از وقت بروز کند و همین نکته تدبیر است فوق تدابیر که کارها را بجرايی ملایمی اندازند

سرحدات هند

هنوز حکومت هند را از سرحدات افغانستان و يك مشت مردمان سرحدی آسایش و اطمینان هست نداده است و همه ساله مبلغی خطیر صرف اردوهای ساختاری سرحد و لشکرکشی برای سرکوی آنان میشود، ولی چه سود که آنها متنبه نشده بر سیل استمرار با اینکه با کمال رعایت و مهربانی حکومت هند با آنها رفتار میباشد و اعانه مستمری و غیرمستمری با آنها داده میشود مع ذلک هر ساعتیکه موقع یافته تجاوز نموده از بغا گری و آدم کشی بلکه آدم دزدی دریغ نمی نمایند، چنانچه امساله این گونه واقعات در سرحد خلی بوقوع پیوسته و همواره حکومت سرحدی را مشغول داشته است و بتازکی هم جنگ در سرحد پیش و از طرفین نقصان بسیار شده. مشکل این است که این سرحدیان همینکه مقابله دیدند عقب نشسته در کوه ها متواری میشوند و سپس از يك گوشه نمایان شده حمله نموده و می فرارند. نشون رسمی چطور میتواند با اینها مقابله نموده در کوه و دشت و جنگلات آنان را تعاقب کند، عقیده ما آنست که مابیت حکومت هند اجار شده انتظام این سرحد و سرحدیان را با علیحضرت امیر افغان واگذار نماید

دو سرحد برمه بین چین و حکومت هند مناقشه پیش آمده است يك سرکری را که حکومت مند دو خاک برمه میداند چین مدعی ملکیت آن گردیده و چون حکومت مند قبضه بر آن نقطه را در ماه اپریل مصمم شده از حالا چینیان را مینجات خودار و آغاز بمخالفت کرده اند و بعید نیست که روش نیت را عاجلاً در آنجا هم پیش گیرند، چه مسئله ثبت و سکوت انگلیسان خیلی برجلاست و جرئت چینیان افزوده و دور نیست در آنجا هم آغازه پیش قدمی نمایند

چینی ها حسابات وطنی پیدا کرده از هر طرف پتلاشند که خارجیان را زیاده بر این نفوذ در داخله

خود نداده و نگذارند که اندک اندک از هر طرف مملکتشان را مقراض کنند. مخالفت اهالی مکدن با خارجه و دو باره قیام جوانان چینی میرساند که چین يك انقلاب عظیمی را در پیش دارد و کج نمیرود که در این انقلاب چینیان متهورگشته نصان بینند و سیاسيون را عقیده اینست که این پیش آمد انقلاب چین استقلال و آزادی چین را مستحکم نموده و خارجیان را بش بی خود خواهد نشاید.

تلگرافات

(۲۴ صفر - ۲۴ فروری)

۱) بموجب تلگراف (پترزبرگ) جواب دولت چین به دولت روس اشاعت یافته جرائد با منتهای ملاحظت بر مواد آن بحث می نمایند. روز نامه (نیویورک) که بدوا با منتهای شدت اظهار مخالفت با چین می نمود پس از رسیدن این جواب خیلی با ملاحظت بر این موضوع بحث می نماید

۲) در پارلمان آلمان يك لایحه قانونی برای ازدیاد قوای جنگی پیش شده جمیع طبقات و احزاب پارلمان بر آن صحه نهاده اند، چنانچه رئیس حزب احرار در (هریر) اظهار داشت که بقای امنیت اروپا منوط بقوت بازوی آلمان است. دولتین فرانس و انگلیس نیز مشغول بازیداد قوای جنگی خود شده اند § وزیرمالیه عثمانی به پارلمان درحین پیش نمودن بودجه اظهار داشت که حالت طالیه عثمانی مایه بسی امیدواری است و تا دو سال دیگر دخل و خرج دولت صورت توازن خواهد گرفت، وزیر موصوف اظهارداشت با اینکه قرصه عثمانی سالماضی بافرانسه سر نگرفت ولی اتحاد دولتین کماکان قائم و برقرار است و نیز اظهار داشت که برای مصارف بری و بحری آیین ثبات عایدات دولت اشد ضرورت را دارد

۳) در هر نقطه چین مرض طاعون رو به قلت نهاده است

۴) بغتاً مرض آبله در لندن شیوع و ۲۷ نفر را مبتلا نموده است

(۲۵ صفر - ۲۵ فروری)

۵) معاهده تجارتن ژاپون و امریکا بصحه رسید، سنبر ژاپون (پرن اوشیدا) مقیم (واشنگتن)

او حاضر نیست در موقی که برخلاف او سازش می شود عنان حکومت را بدست گیرد

§ رورنامه (نان) اظهار تأسف از این پیش آمد نموده می نویسد که عدم توجه اولیای امور ظاهر میدارد که فرقه انقلابیون را غلبه کامل حاصل آید

§ فرمانفرمای (الجزایر) نیز بدین جهت از حکومت استعفا نموده که اعراض احزاب سیاسی فرانسه مورت خساره دولت تواد گردید ، اهالی آلمان و آستریا تشویش از این دارند که (مسیو دلکاسی) ریاست کابینه فرانس تعیین گردد

§ رئیس جمهوری فرانس (مسیو دلاریس) برای تشکیل کابینه جدید (سنیتز موس) را انتخاب نمود (۲۹ صفر - اول مارچ)

§ اگر چه (سنیتز موس) با (مسیو براید) هم مسلک است ولی تا درجه اطراف پسند است ، و امید میباشد کسانی که با (مسیو براید) همراهی داشته مجددا در دایره وزارت شامل خواهد ساخت

§ موجب نگارش مابین (مسیو دلکاسی) بشمولیت وزارت جدید دعوت شد مشارالیه بدین شرط قبول نمود که در مسائل خارجه با وی هم مسلک باشد

§ کابینه جدید فرانسه کاملاً تشکیل و یوم دوشنبه مجلس وزراء منعقد گردید ، وزیر فرانس جز وزیر عدلیه و وزیر تجارت همه تعیین شدند بسیاری از فرقه انقلابیون درین وزارت شمولیت دارند و بیشتر آلمان کسانی هستند که بر خلاف کابینه قبل رای داده بودند که از آن حه کابینه مجبور استعفا گردید چنان شهرت یافته است که وزرای جدید فرانسه عهد نامه جات موجوده را قائم خواهند داشت

§ روزنامهجات آلمانی کربون برتک (می نگارد) که شرکت (مسیو دلکاسی) در این کابینه جدید بسندیده نیست ، ومعنی آن اینست که آلمان را با مادکی دعوت میبایند

§ (طمس بمبئی) از وقایع نگار عدن خود پامی نگارد که قبائل اعراب بمن پیش قدمی خود را ظاهراً نموده اند از این رو (۱۵۰۰) قشون عثمانی که برای عساکر ساخلوی (صنما) فرستاده شده از حرکت باز مانده اند ، متاداً قشون عثمانی بساحل وارد می شوند !

§ مهندسن فرانسوی در حدیده رفته اند که از حدیده تا منتهای ساحل بحر احمر تعمیر راه آهن نمایند

در ضمن این عهدنامه یادداشتی داده است که دولت ژاپن بر طبق عهد نامه سابق بلجیه بند به مسئله مهاجرین ژاپن خواهد بود

§ کابینه وزرای فرانس متزعزع گردیده و اکثریت شان فقط در شانزده رای پیش نموده است مجلس وزراء برای شور در حیثیت کابینه منعقد گردید ، ولی بحث بر موضوع موقوف و به مجلس دیگر (مسیو دلاریس) رئیس جمهوری صدارت خواهد داشت موقی ماند ، وبطریق حتم وزارت در یوم دوشنبه استعفا خواهد نمود

§ (مسیو جوریس) دو پارلمان فرانسه اظهار داشت که جمیع مباحثات باید معطل ماند تا وقتیکه در موضوع قوای بحری نتیجه کامل حاصل آید این بحریک با اکثریت رد شد ، ولی مجلس ملی تعمیر دو جہاز جنگی از قبیل (دریدنات) را منظور ود ، از این نکته ظاهری می شود که مجلس در خصوص مسلک بحری مؤید خیالات دولت است

(۲۶ صفر - ۲۶ فروری)
§ وزیر خارجه با سایر وزراء آمادگی خود را در استعفا نزد رئیس الوزراء فرانسه ظاهراً نموده اند و عقیده آنان اینست که تحریکات دولت را با اکثریت غیر مستقل می توان مجرا داشت

§ از تلگراف اسلامبول ظاهری می شود که قشون تحت امر (رسابی) بر اعراب علیه نمود (مناخا) را متصرف و ملحق قشون دولتی گردیدند

§ دولت عثمانی با کبابی (ارمسترادک) تصفیه تعمیر دو فروند جہازات جنگی از درجه اول را نموده است

§ اولین جہاز (دریدنات) آستریا در بندر (ترستی) در ۲۷ می باب انداخته خواهد شد و در نومبر (دریدنات) دوم را ماب خواهد انداخت و در بهار ۱۹۱۳ این دو جہاز را ملحق به دست جہازات جنگی خواهند ساخت

(۲۷ صفر - ۲۷ فروری)
§ عاقبت وزارت فرانسه استعفا نمود
(۲۸ صفر - ۲۸ فروری)
§ بواسطه استعمای کابینه فرانس هیجان عظیم در سایر ملل مابان است چه یکی از مدیرین بزرگ فرانسه مجبور به کناره جویی گردیده ، صدر اعظم فرانس (مسیو براید) اظهار داشته که علیحدگی وی بواسطه سلاشهایست که برخلاف او شخصاً تعمیل شده و

(جبل المتین کلکتہ)

(مدیکل کالج استریت نمبر ۲)

HABIBUL MATIN OFFICE
4, MEDICAL COLLEGE STREET
CALCUTTA

« ولا حق الخد ابولا بدون قبض تدارک و ولای کہ
(دفترین و افاضل خصوص سال ہجرت ۱۳۱۱)
(دماغہ ان بری شناختہ نمبر ۲۰)

(قیمت اشتراک)

(سالانہ — شش ماہہ)

(ہند و برہمہ)

(۱۲ روپیہ — ۷ روپیہ)

(ایران و افغانستان)

(۴۰ قرآن — ۲۰ قرآن)

(عثمانی و مصر)

(مجیدی — ۳ مجیدی)

(اروپا و چین)

(۳۰ فرنگ — ۱۶ فرنگ)

(روس و ترکستان)

(۱۰ مات — ۶ مسات)

سنہ ۱۳۱۱

المتین

« مراسلات خصوصی بدون امضای »

(معروف ادارہ درج نمیشود)

(کلیہ امور ادارہ با)

(مدیر کل . مؤید الاسلام است)

(ہر دو شنبہ طبع)

(ہر دو شنبہ توریج میشود)

(ہر دو شنبہ)

(۱۱ ربیع الاول ۱۳۲۹ ہجری)

(مصاد با)

(۱۳ مارچ ۱۹۱۱ میلادی)

لارڈ لندون تا کون یک طرفہ بودہ یعنی ہیجیت
اردول اعم از مؤلف و مخالف این دعوی را تسلیم نموده
خاصہ ایران و عثمانی کہ مالک بالاستحقاق والاستقلال
خلیج اد دریای فارس را آزاد و سیاست و
تجارتش را بین المللی شناختہ اند. اینک ملاقات پور تسدم
و مشلہ راہ آہن بغداد مورث تشویش سیاسیون
انگلستان گردیدہ مدعاوی یکطرفہ دبریہ خود قیام
کرده اند .

اہمیت خلیج فارس بدرجہ ایت کہ کات
نیرود بسہولت و زودی میں رقبا تصنیہ یابد .
چہ اگر مشلہ خلیج چنانچہ انگلیس طاقت
اند فیصل شود بہ تنہا دست سایرین از سیاست
وسط آسیا منقطع میگردد بلکہ بزرگترین خسارہ
بیز بہ تجارت کلیہ دون وارد تواند آمد . و ہر گاہ
مقصود رقبای انگلیس بر آورده شود انگلیسان دچار
خسارات تجارتی و سیاسی در آسیا خواهند گردید .
و حصارای را کہ رای حفظ ہندوستان ہمارہ مدبر
داشته اند رختہ دار خواهد شد . این است کہ
طرفین تا جائیکہ بتوانند در پیشرفت مقصود خویش
خواهند کوشید . اگرچہ فعلاً مشلہ راہ آہن
بغداد و خاتمہ آن در خلیج فارس موضوع بحث
است . ولی مسلماً تصفیہ خاتمہ راہ آہن بغداد تصفیہ
کلیہ خلیج فارس شناختہ شدہ است

پس ایرانیان راست کہ موقعا شناختہ قافیہ را
نباختہ بخواب خرگوش نرفتنہ از حالا گوش نزنک
باشند و حقوق ثابتہ خویش را حفظ نمایند . و این
نکتہ را نیز فراموش نکنند کہ دول فرنگ چہ در
جنگ و چہ در صلح از اصول تجارتی صرف

سخت ایرانیان ہوشیار باشند
... کتابکہ آشنا بسیاست پہلوانان پلٹیک اند میداد
کہ امروزہ مشلہ شرق کہ موضوع بحث سیاسیون
عرب است عبارت از خلیج فارس میباشد . راہ
آہن بغداد و طابع تراشی روس و انگلیس در حلو
آلمان منوط ہمیں مشلہ بود . ائتلاف روس و انگلیس
و تقسیمات جغرافیائی آلمان و فشار و تہدیدات شان بہ
ایران کہ امتیاز ہدوت نائی بدمہ تمام مروط بدین
موضوع بود . ملاقات پور تسدم و اتحاد دولتین
آلمان و روس نیز مبی بر حل ہمیں مشلہ است .
غالب سیاسیون اروپا را عقیدہ این بودہ و هست
کہ مشلہ کہ در شرق ممکن است بارہ جگہ عرب
را مشعل سازد ہما مشلہ خلیج فارس میباشد
دولت انگلیس با ہم حفظہ مشوق خود (ہندو تان)
از دیر باز سعی و دہ و هست کہ دریای خلیج را
مرداب ثابت نمودہ و صیانت و اولویت خویش را
بر آن مسلم دارد . بصارت اخری سعی است کہ
دریای خلیج را از آزادی و بین المللی بودن خارج
قرار دادہ خویشین را دہق مطلق ر آن ثابت
کند . ایست کہ از زمان وزارت خارجہ لارڈ
لندون دولت انگلیس این دعوی را پیش نمود .
ایام فرمانمائی لارڈ کرزن و مسافرتش بر خلیج
فارس تعقیب از ہمیں مسلک بود و بعد از امضای
معادہ روس و انگلیس دعوی اولویت سرادوردگری
بر خلیج فارس مقاصد دولت انگلیس را ثابت
نمود . اینک نیز مشلہ راہ آہن بغداد و خاتمہ اش
در خلیج فارس نتیجہ ہان موضوع است
ولی بطریق دولت انگلیس از زمان وزارت خارجہ

نظر نه نموده و نخواهند نمود، و هرگاه تجارت شان اقتضا باید هیچ مشکل نیست ما را قربان مقاصد خود ساخته بین خویش بدون اطلاع ما را تقسیم نموده کلاه و قبای ما را برانند

تکالیف ایرانیان

(۱) ایرانیان راست که کلیه حیثیات خودشان را متوجه بخلیج فارس نموده ملتنت مقاصد و قبای سیاسی شده در مواقع لازمه حیثیات حیثیه ابراز داده توجهات ضروریه خاصه پروتست های مقتضیه را صرف نظر نه نمایند و متطرر نشود که بعد از تصفیه و فیصله بین رقبایا اگر چیزی برخلاف شان دیده شود پروتست نمایند بلکه قبل از وقت و تصفیه مالکیت مطلقه خودشانرا بر خلیج فارس مدلل داشته هر معااهده که بین رقبایا بر سر خلیج فارس بدون اطلاع آنها شود عاقل و باطل گفته پروتست نمایند

(۲) هرگز با ولایت احدی به دریای خلیج رضا ندهند که ماقبت زیانات مسلمة آن را جلوگیری نتوانند نمود، یعنی هیچ وعده و وعید صرف نظر از بین المللی بودن سیاست و تجارت دریای خلیج فارس نمایند (۳) با هیچیک از رقبای سیاسی در مسئله خلیج از این و بعد هیچگونه امتیاز و تفوق ندهند و سیاست و تجارت خلیج را بحال موجوده برقرار داود و جاب محبت يك رقیب که سبب عداوت آن دیگری شود نگردند چه رقابت آنها فقط بر سر ربودن کلاه ماست و هرگاه یکطرف از ما بپوش گردید ممکن است با طرف دیگر ساخته مزید خساراتمان گردد (۴) مقدم بر جمیع اصلاحات توجه تامه در

اصلاحات خلیج فارس میباشد، یعنی اهمیت موقع خلیج امروزه بیش از آن است که تصور آید پس ایرانیان راست که بدون قوت و وقت بفرستادن يك حاکم با سیاست عالم و وطنخواه و با اعتماد کافی امنیت نامه در کلبه خلیج برقرار نموده بهانه همسایه را مرتفع دارند و چون امروزه عمده بهانه جوت همسایه راجع به اسلحه قاچاق است ایرانیان راست که سریعاً اقدامات دری و بحری نموده این وظیفه را بخودی خود قسمی انجام دهند که برای همسایه جای بهانه و اراد مانع نمایند، و ایهم منحصر بر آن است که در ساط لازمه قشون ساختوی گذارند و آ جلوگیری از اسلحه قاچاق نمایند و محراً نیز چند جهاز گزوه خریداری کرده حفاظت دریای خلیج را بذمه خود گیرند.

عجب ایست سکه با داشتن بالغ و (۳۵۰) جزیره و بندر و هزاروادی میل خاک در ساحل دریا در چهار سال مشروطیت مجلس و وزراء يك اداره یا کیسیون بحری قائم به نموده اند سکه

افلاً راه اصلاح و طریق بنای این خطه که روح استقلال ایران شناخته شده محفوظ تواند ماند، و اگر چندی دیگر از این امر مهم قاعد روزنه خلیج صورتی پیدا خواهد نمود که ما را از تشکیل چنین کیسیون و اداره نییاز سازد یعنی يك دفه دریای خلیج فارس نیز مانند دریای مازندران گردد

(۵) شروع به کشیدن راه آهن از خلیج به داخله ایرانست که تا وقتیکه ایرانیان خودشان شروع باین مقصود نمایند دیک طمع رقبای سیاسی از جوش نخواهد اوفتاد و ما را آسوده نخواهند گذاشت و باید مسلم دانست که اگر ایرانیان خودشان به کشیدن راه آهن از خلیج به داخله خود اقدام نمایند بهر وسیله باشد خارجیان اقدام خواهند نمود و آنوقت کف اموس سودن سودی نخواهد بخشید، و اهم ترین طریق راه آهن در خلیج شروع از محره به عربستان و اصفهان است.

بسم الله تعالی و علیه اشکال

قال امیر المؤمنین علیه السلام و حمله امرأ وایه حقا فان علیه اورای جوراً فرده و کن عونا علی صاحبه چون بر تمام مواخواهان عالم المسأبت که پیرو مسلك مستقیم اسلامیت اند و واقف رموز ترقی و طالب استحکام بنیان مشروطیت و آزادی برع میباشد واضح و مبرهن است که بدون تمسک بروة الوقی اتحاد و اخوت هیچیک از افراد بشر یا بمذارج عالیه ترقی نگذارند و نخواهند گذارد و این دعوی با اندازه ظاهراً و هویدا است که محتاج باقائه دلیل از آیت ینات و براهین نیست زیرا کتایب میکند ما ملت اسلام را هموما همین يك فقره عقد اتحاد و یگانگی سکه دولتین همسایه از بدو بیداری ایرانیان باهم بستند بجهت پیشرفت مقاصد خود که اضحلال استقلال سلطنت شش هزار ساله مملکت ایران باشد ما اینکه هر يك از این دو دولت نامر باستمدادات گاهه حربی دری و بحری و مسلح و ثروت هنگفتی که دارند مستقلاً بواجرای مقاصد مشغوله خود علی العناصر بودند

همینا نامر رعب و وحشتی که از سلطوت اسلام داشتند تشنه که بخوار آنها رسید این بود که دست اهدا بهم دهند شاید به پشت گرمی یکدیگر شامد مقصود را در بر گیرند و از آنجائیکه طریقه عقلا همیشه در مقام جبروتی و ثابته بر خصم این بوده و هست که تمام رانمائیها که احتمال داده میشود موجب محبت و ذلبه دشمن باشد بجهت پیش بردن حیال خود مسدود نمایند و حضرات بواسطه اخلاص کاملیکه از جغرافیای مملکت ایران داشتند و از برشامت و شجاعت و ثروت جوامع ایرانی که در

توف پلنیک هر يك از ایشان از سرحدات جنوب و شمال ایران وجود دارند با خبر بودند و بواسطه سیر در تواریخ و استحضار از بعضی از قواعد مذهبی اسلامی مثل وجوب اطاعت اوامر رؤسای روحانی که در مقام حاجت مرگه حفظ وطن و دین را موقوف بگذشتن از جان و تن بداند و امر فرمایند عامه مسلمین مثل وقته دخانیه يك مرتبه دست اتحاد به یکدیگر خواهند داد و پشت نشون مخالف را خواهند در هم شکست. چه بنص کریمه (کم من فتنه قبله غابت فتنه کثیره) و قهقه جی واقفاً مد نظرشان حفظ دین و قانون مذهبی باشد و محبت خود و شرافت خانواده کی را با لیس منحصر بجان دادن و کشته شدن به بینند و این نیت يك با میدان مقاتلت و جابازی گذارد لاهاله هر اندازه که باشد چیره بر خصم قوی بجه تواند شد. چنانچه تاریخ خیل ما نشان داده و میدهد. علاوه بر اینکه بر هیچ عاقل چیزی مستور نیست که مغلوبیت این طایفه دورین محل سکه ملاحظه شود عین نالیبت است (يك مرده بنام به که صد زنده به ننگ) از این جهت دیدم که شاید با اتحاد تنها نائل توند پلنیک سیاسی ایشان اقتضا نمود که با قسله فاق بین افراد ملت محیب ایران و دولت ضعیف البینه و این مملکت این باب محبت را هم مسدود نمایند. این بود که این نغمه را بر لوح ضمیر خود از بدو بیداری اهالی ایران کشیدند که همسایه جنوبی باسم حفظ حقوق ملیت و تمدن خواهی با ملت همسایه شمالی با دولت استبدادی موافقت نمود دولت و ملت را با یکدیگر طرف نمودند نغم ففاق را در مزرعه خاطر عامه ایرانیان پاشیده و کلام و اقسام تدبیرات قانون شکنانه خانه خراب کن این وطن عزیز را متزلزل و مخاطره اداختند و الی حال کردند آنچه را که مکنون خاطرشان بود اگر چه بمحافظه هنوز نائل بمقصود بطور دلخواه نشده اند ولی باز دست بردار نمیباشند قافل از اینکه (عدو شود سبب خیر اگر خدا خواهد)

چه بمحافظه سکنه بسلامت خود روحانیت اسلام الی حال وارد نیساده و عامه مسلمین بر همان عقیده سنی اسلامی است که لزوم حفظ نوامیس عالم السابیت باشد با کمال قسوت قلب باقی و بر قرار میباشند و همه میدانند که اهم امور بجهت که اغلب بلکه نام فروعات مذهبی اسلامی دایر بر حفظ و صیانت آنها است دین است و آئین مذهبی که نجات دهنده مردم مسلمین است از ظلمات خلات و اسارت و

دیده میشود نغود اجالب در این آب و خاک یوماً فیوماً رو به نمو و ترقی گذارده منتظر بوده و هستند که عامه روحانین و کافه پیشوایان و هادیان طریق قویم قانون محمدی صلی الله علیه و آله دست اتحاد و یگانگی بهم داده تمام نفوس اسلام خواه را که در اطراف واقطاب کره ارض متفرق اند بکلمه واحده اتکالا بکلام معجز ختام الاسلام یلوا ولا یعلی علیه اعلام فرموده دعوت بانهاد و امر بدطاع فرمایند. و هزاران شکر که در یکی از نمرات جریده مقدسه جبل القین عامه مسلمین باین بشارت عطی مبشر و مقنن گردیدند. البته کسایکه عبرت وطن خواهی و عصیت دینی دارند و این ابتلای فوق العاده را که پیش پای دین حنیف اسلام و اسلامیان افتاده بچشم خود می بینند در صورت صدور همچو فرمان مطاعی و دست آمدن همچو تریاق فاروقی بجهت نجات این سریش عزیز که از زمان تولدش الی زمانها هذا چه ملیونها نفوس زسکینه و اموال و خزائن کثیره صرف ترقی و نگاهداری او شده با علم باحصار رفع مرض مولد از سوم مهله که فاق باستعمال این دواهی سریع الاثر ابدأ تعلل و تسامح نخواهند ورزید. چه فرار از زحف در این موقع غربت اسلام که کشتی نجات اهالی ایران در شرف غرق است مضویبتش محکم وجدان با ملاحظه مقتضیات وقت فوق آنست که در عداد سائر اعمال و اعمال قانون خراب کن بشمار آید. چه امروز طریقه اعلاء کلمه حق و صیانت قانون محمدی صلی الله علیه و آله از تهدیات قویه دشمنان عالم بیدار و جامع مکار منحصر است به پیروی و اطاعت آثار و لوازم و فرامین این اتحاد.

ولی این لکته را هم پوشیده نباید گذارد و ناگفته نباید گذشت سکه دراکه هیچ طفل بیزی که تازه یا بوادی دالتس گذارده فضلا از واقعات و موز پلنیک امروزه تصدیق نداشته و ندارد که لفظ اتحاد و یگانگی مادامیکه طاری از لباس مغنویت و مجرد از کسوت واقعبیت است منفع نتیجه خیره سعادت محبت و ترقی گردد چه وجود دهنی جز عالم ذهن و خیال را که محل تولید او است راحت نخواهد بود بل جوش هیچ موحودی بی اثر نخواهد بود میتوان گفت که در صورت اثر خارجی از برای وجودات ذهنیه نتیجه این اتحاد طاری از حقیقت و واقعبیت بینها همین نتیجه قانون بی مجازاتی است که در این چند ساله در مملکت ما ایرانیان دایر شده که پیش از پیش اسباب خرابی و هیچ و هیچ مملکت که در روح آزادی

کسانی که در جزیره هلسه بد آب و هوا یا در اراضی مرهود دنیا از جبهه بی جانی میروند با وجودیکه چند سال بکدغه آتش فشان شده تمام عمارت و زراعت آنها را میسوزاند مجدد میروند آباد مینمایند در يك شهر ده کرور روی هم ریخته منزل مینمایند خیلی مشتاق این هواهای لطیف و اماکن مهشک آسای آسیای وسطی میباشند

لاکن چون در این ملت مرده شرف و ادبیت منسوخ شده بکلی این مطالب را نمیفهمند نمیدانند در نهایت جدوجهد ریشه ملیت خود را قطع مینمایند چنانچه از اخبار سارقین لشی و بهارلو و هجوم بر حاک کرمان و یزد آورده هرالسان صاحب غیرت از غصه هلاک میشود سوای قلعه یزد دیگر حکومت یزد اختیاری ندارد تعداد شتر و گوسفند و الاغ و مالی ~~سکه~~ این اوقات برده اند در این عریضه گنجایش ندارد تمام روار یزد راه خراسان را زده پای پیاده در این مرما بچاره ها خود را با بادی رسانیده بعضی تلف شده

یکی از روزنامهجات مرحوم معتمدالدوله را قصاب الدوله در یکی از شماره ها نوشته خداوند درجات آن مرحوم را اعلی بگرداند این حیوانات مودی و عضو فاسد ملک حکم مار و عقرب را دارند اگر دولت انگلیس بر این قسم مردم حکومت داشت مثل اشخاص یاعی بلوای هندوستان هزار ها آنها را در خشکی ما بروی خاک باشیده غلطانه بروی آنها رانده با حاک یکسال میسکرد مرحوم معتمدالدوله اول شخص عالم دانای مجرب بزرگ ایران بود که از سطوت او بزرگ و کوچک فارس مثل سید بر خود می لرزیدند در زمان او زیر جامه خود را ملوث میکردند مملکت سیاست لازم دارد مگر در اروا آدم نمیکشند بحکم عقل و شرع باید اشرار را کشت و الا باید ایران را وداع گشت -

(کرمان)

شاعرزاده جلال الدوله فرمانفرمای کرمان و بلوچستان وارد رفسنجان شد، بقراریکه شهرت دارد بعضی از مستحقین راه را که جلوگیری از سارقین نکرده بلکه سبب بردن اموال مردم شده برای تحقیق جلب بشهر فرمودند، سابقا عرض شده چویش هنوز

ادارات کرمان مرتب نیست عدلیه که بهم خورده رئیس آن معزول شده و رفته است همچنین سایر ادارات البته حکومت بمنزله فتر ساعت است ~~سکه~~ بقوه آن تمام جرخ ها باید حرکت نماید تا اختیارات کلیه بجهة حضرت والا ایالت جلیله نباشد ممکن نیست امنیت قائم و ادارات دابر گردد در ~~سکه~~ اداره مقصرین را باید استعطاق نموده مجازات داد در کدام اداره امورات را بر طبق قانون باید جاری ساخت، لهذا لازم است که اول اداره قشون سپس اداره مالیه بعد از آن عدلیه و نظمیه و غیره و غیره را اصلاح فرمایند چنانچه تا قوام الملک وارد کرمان نشد انجمن ایالتی نیز رسمیت تام بهم رسانید با اینکه انجمن ایالتی نیز مرکز و ماطر اجرایی قوانین و حافظ آنها میباشد و ما امیدواریم این حکومت جلیله که مشروطه خواهی و صدقات آتش در طهران بمرض امتحان و ثبوت رسیده نوعی ادارات و قوانین این ایالت را جاری فرمایند که موجب غبطه تمام مخالفین مشروطیت گردد، تمام عقلاهی ایران در اخبارات فریاد زده انتشار دادند که مشروطه سهل است بلکه ملیت ایران استقلال ایران ممکن نیست مگر به اصلاح قشون، این همه خرج های کزاف هرگاه درباره اصلاح قشون ایران فرموده بودند امروز ایران صد هزار قشون دارا بود واحدی قدرت خلاف قانون نداشت خارجه بر ما استیلا نداشت و هر ایالت را یککفر حکمران مشروطه خواه اصلاح میکرد، بعد از تهیه قشون البته رؤسای ایلات هر ~~سکه~~ مشروطه خواه بودند ایلات را متدرجا مشق و جزو قشون ملی قرار داده سایر کابینه وزرای ایران نیز به تکالیف مقرر خود عمل فرموده در مدت هفت سال یا ده سال که يك دوره تعلیمی است بیست هزار شاگرد صاحب علم بوجود می آمد کشتی های جنگی در ایران در خلیج فارس چشم ماها را روشن می کرد، امیرال و دویایی داشتیم راه آهن ایران را خود اهالی میکشیدند که مالک شال و جنوب و مرکز بودیم هزار افسوس که حکام هر جا مامور شده بر ضد اصول مشروطه سلوک و بکلی قوای دولت را مستهک و در جاده دخل سیر نموده بعضی حسن سلوک و مهربانی بنسارت ملت برداشته مسلم است اسباب

▶ از طرابلس ضرب ◀

(جاره تسهیل قرائت)

بر نامه نگاران و معلمین کتاب و مرتبین
مطلوبات معلومت که خواندن حروف عربیه متوقف
است، برداشتن و حفظ سی صد شکل و خیلی
بیشتر، زیرا حروف عربیه باعتبار مواقع و مواضع
شان باشکال مختلفه متبدل میشوند، چنانچه حروف
مذکوره اگر تنها باشند (مفرده) و در اول کلمه
(مبدوه) و در میان کلمه (متوسطه) و در آخر باشد
(منطرفه) میشوند که هر یک از اقسام اربعه بانواع
مختلفه مبدلت، و برای اثبات دعوی در عبارت
آیه دیده میشود که تنها حروف (ب) به چهارده
شکل مختلف نوشته شده که هر یک خلاف دیگر
است (ازیم ابواب بای اجد که یجد و بی حسابست
این کتاب را بهر جیب لابد بمن ثبت نمودند) پس
ازین معلوم میشود که اشکال حروف (ب و ت و ث
و ن و ی) به همان اشکال تبدیل میکنند، بنا بر این
برای حفظ شش حرف باید که مبتدی بیشتر از
هفتاد شکل بیاموزد که دو مقابل خبیع حروف
فرنگست یگانه سبب اضمحلال و تدری مسلمانان
سراسر همینست و دائماً در ملت اسلام از صد پنج
خواننده پیدا نمیشود یعنی بود و بچش جهالت
بخلاف فرنگ که تمام بر عکس ما میباشد در اوایل
اسلام حروف عربیه چندان اشکال مختلفه داشت
وفلسوف اسلام این خلدون در مقدمه اش درباب
رسم مصحف میگوید که (خط عربی در اوایل
اسلام چندان جودت و پاکیزگی نداشت و اکنون
در استنساخ مصاحف شریفه نبایست تابع به خلفا
و مقدمین شویم چه نوشتن و خواندن از صنایع
معیشت است، زیرا خط عبارت از اشکالی باشد که
برای تفهیم افکار مفیده تصویر شده و از صنایع
مدیه مدد دست و هدیه وجه تعلق بدین و عقاید
ندارد، حق فخر عالم صلی الله علیه وسلم ای بودنش
نسبت بایشان کمال بود و نسبت با نقیصه و جهلست
و سبب این آنست که علیه السلام اشتغال بصنایع
دنیویه فرموده و سی و همرا با متش امر کرده انهی
و از آن گذشته آنفا اشکال حروف را به
سیصد و چیزی گفته بودم اگر از روی حقیقت

فرت عموم ملت را فراهم آورده که ملت منبوه
ایران از محوسات اعمال آنها راضی بحکومت اغیار
شد، اعیان نیز چون این ظلم عمومی را اسباب
بیشرفت کار خود دیده نمون هواخواهان ظلم و
ستم شده لهذا آنها را بهواعید مرقوبی خوشنود
نموده لکن از جهالت و بی علمی اطلاع ندارند که
دول اول کسی را که از میان بر دارد همین
خائنان دین و دوات میباشد، اینک تاریخ هندوستان
و خائنین که فی الحقیقه باعث اقراض دولت اسلامی
شده مورد طعن و لعن عموم اهالی روسیه زمین
میباشد

حاصل آنکه شاهزادگان قاجاریه که امروز مصدر
امورات مملکت شده هرگاه بقا و دوام سلطنت ایران
را در سلسله خود خواسته باشند باید با نهایت
عشق و غیرت در قوام و دوام مشروطیت و قشون
ایران برآیند و الا خدا بخواسته هرگاه بهمان عادات
قدیم رفتار فرمایند مسلم است دیگر امید ترقی
برای ایشان نیست و اهالی ایران بتر تن بسلطنت
جارین مستبد از ایلات نخواهند داد و آنها را قابل
اداره کردن یک دولت بزرگ نمیدانند ناچار دولتهای
خارج به تقسیم ایران پرداخته یکدیگر را راضی
خواهند نمود هیچ از دول بجهت محبت ایرانی
با متجاوزین با ایران جنگ نخواهد کرد این تعدیات
سیاسی و توب و تنگ و کشتی جنگی زیاد کردن
محض جلوگیری از تعدیات یکدیگر است. لکن
حوالتهای اسلامی اگر به تقسیم ایران راضی شده با
حسرت رده قانع شدند همآ قریب آنها را هم تقسیم
خواهند کرد، امروز قوام و دوام و استقلال دور اسلامی
موقوف بانحداست که نگذارند یک وجب از خاک آنها را
دولتی منصرف شود، تا بحال از حضرت والا فرمانفرما
وزیر جنگ ایران معلومان ظاهر شده البته خواهد
شد هر کسی کمتر از ۱۰۰ هزار قشون برایش
ایران تهیه نماید آنها در ایلات باشد خیال آن
اقراض ایران و استیلای خارجه بر ایران است
البته امید ما بایلات صاحب شرف، صاحب
غیرت ایران است مثل قشقایی و بختیاری و غیره
لاکن باید در تحت حکم وزارت جنگ باشد بعد از
ترتیب سرباز و پیاده نظام معتبر ترتیب سوار ایلی
جدایگاه است

بفضل آروم ، امیدوارم سکه یکی از ارباب مروت طالب شود که همان اشکال را ترسیم و برای تعمیم صورت اشکال را تقدیم نمایم والله الموفق الدامی از اعضای محکمه استنباف

قابل توجه صاحبان غیرت و ناموس
(از کرمان)

مملکت قشون میخواهد سراز میخواهد سوار میخواهد باید واجب داد حیره داد مشق نمایند ، در تحت فرمان صاحب مذ بسان عالم شجاع جنگ دیده باید حاضر باشند سوار دزد یا سوار ابلهت ولو اینکه دزد هم نباشد ممکن نیست ملک را امن نماید مگر متدرجا آنها را نیز مشق داد برای لزوم جزو قشون مل یا نوکر دولت و تحت سلاح و حاضر خدمت باشند ، اینک در بم یکنفر از خوانین بلوچ که شیردل خان نام دارد مخصوصاً او را آورده که تا دو بیست سوار بلوچستان را مراقب باشد که سرحدی ها نیابند نورماشیر را غارت نمایند اینک در راه م هفتاد و دو نفر شتر را برده و اکبر صادق یکنفر جمال را کشته قراریکه شهرت دارد سارق و قاتل برادران همین شیردل خان میباشد و قرار شده صاحبان شتر ششصد تومان داد شتر آنها را بیاورند از این است که دزد بدرد نوکری نمی خورد قشون لازم است ، مملکت قشون میخواهد و الا مجاهد بازی و سوار ایلات بدون نوکری و مسئولیت نامه بی مشق ممکن نیست فایده داشته باشند بقدریکه دولت های خارجه که ترقی ایران را مضر بحالت خود میدانند اوقات آنها از نظام ایران خواه پلیس یا سرباز تلخ می شود از دو کرور قشون مجاهد یا ایلاتی تلخ نمی شود ده هزار قشون بی نظم و ترتیب یا یکنفوج قشون منظم مراتب مساوی است هنگام ترتیب اداره لطمه در یکی از بلدان مشهد مقدس بودم یکنفر از مدعیان می گفت این ها را باید بهم زد ، از ترتیب نظام و مشق و لباس آنها بقدری مشوش و موجب وشک آن شخص بود که بی مهابا این عبارت را گفته و از گفته مادم شده ای بزرگان ؟ ای شاهزادگان ایران بخدا آنچه را شما تصور میفرمائید که کار ایران گذشته اینطور بیست وانه باقیه ایران در ده سال بقدر صدسال ترقی خواهد کرد ، استناد طبعی دارد چند سال چشم

باشد از هفتصد شکل بیست که هر مرتب شهادت میدهد و بگانه سبب قلت مطبوعات همین است که اکثر جا بخانهای ایران و هند اصول (لیطوغراف) است ، چاپ بر سنگ ، و مطبعه جبل المتین از همت صاحبش از حروفست

(سالما باید که تا پیدا شود اندر زمن)

(با بزید در خراسان یا اویسی در قرن)

که از نوادر دهر معدودست

چون حقیر مدت مدید است در خصوص رفع این عذور متفکر بودم چنانکه اشکال مانوسه و متداوله بدون تغییر تقلیل نمایم بیاری باری موفق شدم حتی مجموع حروف و اشکالشان به کمتر از چهل شکل تنزیل نمودم که در ادنی مدتی هر کس بخواند و بیاورد

ایضاع : از اشکال موجوده که اکنون دهر مطبوعه پیدا میشود تنها بمرور متوسطه اکتفا نموده مابقی را دور اندازیم مقصود حاصل میشود

مثلاً در میان اشکال باء تنها شکل بای (بت) را قبول و در هر جا و موقع همان شکل را استعمال نمایم محاذیر معروضه مرتفع خواهد شد و قس علیه الباقی چنانچه همین شکل (ب) اگر در زیرش یک نقطه باشد (ب) و دو نقطه (ب-ی) و سه نقطه (ب-پ) و در بالا یک نقطه (ب-ن) و دو نقطه (ت) و سه نقطه (ت-ث) و بعد از آن حروف باقیه همین ترتیب (ج ، ج ، ج ، ز ، س ، ص ، ه ، ه ، ه ، ک ، ل ، م ، و ، و ، و) کافیست

پس مقدمه گاستارا بدین صورت ترتیب میتوان کرد (متذ مفاذیرا هر و جلا که ا ط ا متذ موجد قریبته و بشکر اندر ش مزید نعمه الخ) درین صورت میتوان حروف مذکوره را مانند حروف فرنگی در ماکینه گذاشته در هر تجارتگاه و مقامات رسمیه بقوت انگشتان نامه نگاری نمود ،

شاید بر وجه معروض تدابیر را ترویج داده مقبول افکار عامه شود چاره ازین بهتر تصور کرده ام که همان اشکال مانوسه را بلا تغییر (ولی بیشتر از هفتاد شکل باشد) از شکل حروف اعراب و حرکتش نیز معلوم شود و چون برخی از اشکال متصوره محتاج بقالب و ریختن است و احوال مالیه حقیر مساعدت این امر خطیر نبود نتوانستم از قوه

از حقوق نوکر پوشیده نگذارید بهر بود سرباز ایران قانع است اولاً لباس پارچه خود ابراست مناسب تر است هم رعیت شما آباد می شود هم سرباز شما صاحب لباس میگردد انسان از دیدار آنها لذت میبرد، اقتدار شما برمیگردد، هر فوج سرباز که هزار نفر جوان رشید صاحب لباس سیر صاحب مشق و تفنگ خوب شما میپایند ده سال بر عمر دولت شما و ثروت شما میافزاید، چشم شما و سایر ابناء وطن روشن می شود، صد نفر بلوچ کون برهنه و دزد فارسی یا برهنه می آید راه شما را بند نموده ثروت شما را تاراج نمایند.

بخدا میتوانید صد فوج سرباز با حقوق قدیم یادارنماید صاحب منصب های جوان مرد رشید بر آنها بکارید همه روزه مشق مایه علی السجانه ما امیدواریم که حضرت والا جلال الدوله فرماضرمای کرمان سر مشق بموم حکام داده برود کرمان همان قشون بی رسم سابق را یادار فرماید البته وزارت جنگ هم ایست رضامندی را دارند سکه در تمام ایران و خارجه نام ایشان بصیرت و وطن پرستی و بی طمی بلند گردد امروز مقدم بر تمام ادارات اداره قشونی است ولو تمام مالیات ایران را در یکسال صرف تعلم نماید مسلم است مالیات چهار ساله بعد از اتمام امر قشونی وصول خواهد شد رؤسای ایالات بعضی با این خیال ضدیت دارند شاهرادگان و امرای ایران اگر جدا در اصلاح حال قشون بر نیایند باید چشم از زندگی خود ببوشند زیاده بر این کشف مطلب جایز نیست.

(درجه اگر کس است یک حرف بس است) مسلم است سرباز گرسنه با لباس ککنیم که باید از حالی یا فعله گری یا دزدی امر خود را بگذارند بدرد میخورند، همچنین سرباز خیل نظیم با تحمل بزر مثل سرباز و سالدات اسکلیس بدرد حاله ما میخورند عدم مرآت صاحبان منصبان از عدم تأمین زیادتر است

هر فوج که شش ماه لایقطع مشغول خدمت و حاضر مشق باشد بهر سرباز طای شش تومان داد. با نهایت تشکر خدمت میبایند شش ماه دیگر که مرخص می شوند فقط بهان پنجاه من یا صد من گندم محل قناعت دارد، لکن بدون ذره حیف

و میل هر سلطان یا پاور و غیره که یک قرابت از مواجب و جیره آنها به برد لازم الاخراج و سیاست باید نمود، صاحب منصب بقدر ضرورت لازم است، مشهور است یکی از امپراطور های انگلیس از امپراطور روس مشوال نمود فرش و لحاف قشون شما در سفر چیست جواب داد دست راست سرباز فرش و تفنگ بالا پوش آن میباشد یعنی سرباز نباید خواب راحت نماید دست خود را زیر سر نهاده تفنگ را بادست دیگر در بغل بگیرد لکن گرسنه نباید باشد مشق باید بکند حکیم باید داشته باشد، شرحی جناب فلیدوف وطن پرست شیخ عبدالرحیم طالب اف بجهت ملاحظه اطفال هشتادساله در کتاب احد و سفینه طالی در صفحه ۱۴ ذکر فرموده رای طالبان ترقی وطن کافی است و می هذا علم جنگ عیسارت از تریه اسباب قورخانه و توپخانه و آذوقه و ابیه و وسائل حمل و نقل مهات عسکریه نقطه بر نقطه و دانستن علم ساختن قلمه حات و استحکامات و کتون ماریج و علم مشق و حرکات اطالی و تعیت عساکر فرمان رئیس و تحصیل اطلاعات دایر حرب و نقشه های مواقع مهمه و داشتن خریطه مستحکامات همه دول همجوار و داشتن چاپخانه و قضاة عسکریه و کتاب حربیه است

(تا کتک) (ملکه علم جنگ) یعنی دانستن تقسیم قوه حربیه در میدان جنگ صف بندی تعیین قاپ و جناحین انتخاب نصب توپخانه و تعیین قلب اردو و حفظ خطوط ممان علوفه و آذوقه و آب و تعیین منازل موفقی و دائمی لشکر در دهات و بلاد عرض راه سرحدات دشمن و تحصیل اطلاعات خنیه از حالت استحکامات و استعداد مستحفظین قلمه جات دشمن و فرستادن سواران برای نظارت اطراف اردوی خصم و استحضار کامل از قدرت حمله و فاتح او و دانستن محاصره و محصور و حمله از طرف غیر مسلوکه با داری رجوع از میدان جنگ تصور کامل حالت و مکانات نقطه ماموله و موازنه قوه نقده خود با قوه نقده دشمن و در تحت نظر گرفتن جمیع حوادث مترقبه و غیر مترقبه از قبیل باد و بارش و سبل و تکرک و تنگی آذوقه و آب و ملاحظه مخصوص اسباب تداوی مجروحین و غیره و غیره است انشی

«نقد از روزنامه شریفة ایران نو»

«انتیپاتنامه فرقه دموکرات ایران»

(انتیپاتنامه ذیل موسسه روز قبل)

(از طرف فرقه مذکوره فوق)

(انتشار داده شده)

ایرانیان ! ! !

گذشته غمناک ، اوضاع حالیه استغناک و آینه

ولیم و وحشتناک

آیا اینحال وقت انگیز تا کی ؟ ! این بیچارگی

و فلاکت تا چند ؟ ! باید دانست که این بدبختیها

از کجاست ؟

آیا این سرنوشت شوم با کدام دست بی رحمانه

نوشته شده است ؟ آیا ممکن است يك ملت چندین

هزار ساله تمام عمر خود را زیر بار ظلم و بیجسای

بگذراند ؟ همیشه گرفتار رنج و الم و دجر ظلم

و ستم باشد ، در هر دوره و زطانی کدام ملت

تا این درجه گرفتار اندوه و مصیبت بوده ، کدام

حکومت مای تا این پایه در تحت ضربه و فشار

بی رحمانه دشمنان خونخوار واقع گردیده .

در دوره و زمان استبداد ، در عصر توحش

و خونریزی ، دارای حکومت و سلطنت مطلقه بودن

با آن قدر بدبختی و فلاکت ، دارای مشروطیت و

آزادی بودن هم این قدر رنج و مصیبت ! ! !

روزی نمیگذرد که دموکراسی زحمت کش

(عامة رنجبر) با دشمنان آزادی ، با خونخواران

تن پرور (که تا همه اندازه حاضر افنای نوع خود

و احماء آزادی آنها هستند) در مبارزه و کشاکش

نباشد .

طوفانهای شدید بلتیک ، ائتلافات ارتجاعی و

تجربیات آزادی بر باد ده همیشه در يك دستور

روزانه گذاشته شده است .

هیچ دیده نشده که دموکراسی بلا دیده ایران

از يك آتیه وخیم و پیش آمد های یأس آور و

اغتشاش و انحلال اوضاع عمومی آن آسوده خاطر

بوده و مطمئن گردد که اهریمنان آزادی جنگال

خونین خود را از حلقوم فرزندان ایران بردارند

يك ملت همیشه در خطر ، همیشه در بیم و

هراس ، حمله بر روی حمله ، جنگ متعاقب جنگ ،

نزاع بدون منر ، قتلح و ظفر غیر ممکن الحصول .

صبح طاقت و آوازی عدم الوصول ، آسایش و

راحتی نایاب و بزحمت فراهم

تا کی ؟ تا چند ؟ . . .

این میاهوی تازه ارتجاع ، این زمزمه های

جدید برای آتیه ناگوار ، این حوادث تاریخی

تاریک این دشمنان صنوف و جماعت کارکن و این

اردوهای ظلمت ارتجاع را باید دانست که مانند

سابق ضعیف و بیقوه نیستند .

حالیه صفوف منحوسه آفات با تأییدات

(انقلابیون) معلوم الحال زمان گذشته (که در

همراهی با جماعت جز برای انتقام از سلطنت سابقه

و بر کردن جیبهای خالی و اکتفای به يك تغییر

شکل مقصودی نداشته) مستحکم گردیده است .

دولتین روس و انگلیس یعنی آن پیش قراولان

ارتجاع در مراکز مختلفه مملکت ایران از

بکار بردن و سایل تأیید و تشجیع ارتجاع پرستان

داخلی آنی فروگذار نمیباشد ، زیرا مسلم است که

بدون این طریق استیلای ایران و ایرانیان برای

آنها غیر ممکن الوقوع خواهد بود .

دولتین انگلیس و روس در صددند که آزادی

ملت ، استقلال مملکت و افتخارات و شرف تاریخی

ایرانیان را بدست ایرانی هو و نابود کنند .

براهمنان و کک همان دستپاست که دیپلوماسی

خارجی در تمام مراکز و زوایای وطن مقدس ما

جای گیر شده است .

باز با همان دستهای خاینین داخلیست که آن

دیپلوماسی های حق شکن خیالات تجاوز کارانه آتیه

خود را نیز پیش بینی می کنند .

بلی این ملت کشهای بی رحم میخواهند ما را

بقرستان اضحلال فرستند بدون آنکه صدائی بر

آوریم .

همین آذخواران بر آرز میخوانند ما را مندم

و قلع و قمع نمایند بدون آنکه يك فریاد دردناک

تأیر آوری بکنیم .

این حق شکن های بی انصاف میخواهند حیثیت

انسانیت را قطعاً از ما ملت مظلوم بردارند . این

دشمنان آزادی ایران حق مدافعه و پروتست را

بدون هیچ خجالتی از ما سلب میکنند .